



## Investigation of J ware of Mahidasht project at National Museum of Iran

Sirvan Mohammadi Ghasrian, Omolbanin Ghafoori and Morteza Zamani Dadaneh

### Abstract

In the west of the central Zagros prehistoric cultural sequence, the chalcolithic period started with the so-called J ware period. This name became familiar in the archaeology of western Iran from an archaeological survey of the Mahidasht area in 1975-78 directed by L. Levine. J ware is characterized by well fired slipped and painted ceramic influenced by Halaf ceramic culture from northern Mesopotamia. The J ware was reported from more than 60 archaeological sites in the Mahidasht region. However, what we know about this ceramic style is confined to a few white and black pictures of J ceramics, plus some general information about the ceramic published in 1975 by the Mahidasht expedition. Obviously such information to study such an important cultural period is not enough and more study is needed in this regard. Therefore, many questions concerning the naming of J pottery, the chronology of this ceramic, pottery technique, slips, paintings, temper and more remain unanswered. Therefore, in order to answer this questions and give a clearer picture from the early Chalcolithic period pottery style, with the permit of the Director of the Mahidasht Project and the Director of the National Museum of Iran, the J ware of the Mahidasht project, stored in the National Museum of Iran, was surveyed and analyzed completely after a few decades. The J ware of the Mahidasht project is documented by authors completely. In this study we took pictures, made line drawings, and described all the shreds in terms of temper, paintings, slip, paintings and more. The main goal of the present paper is to describe and explain the early Chalcolithic period culture of west central Zagros after such a long time since 1975. The result of this study is a clearer and more complete picture of J ware culture. The current study can be considered as the most complete source for the early Chalcolithic period of the Mahidasht region. Our preliminary analysis shows that the J ware is an eastern variant of the late Halaf culture in the central Zagros in western Iran.

**Keywords:** Early Chalcolithic, J Ware, Mahidasht, Halaf, National Museum of Iran.

<https://doi.org/10.22034/JINM.2023.2004475.1073>

© 2025 Iran National Museum. All rights reserved

**بررسی و مطالعه سفال‌های موسوم به گونه «جی» پروژه ماهیدشت در موزه ملی ایران\***  
سیروان محمدی قصریان<sup>\*</sup>، ام‌البنین غفوری<sup>\*\*</sup> و مرتضی زمانی دادانه<sup>\*\*\*</sup>

### چکیده

از جمله سنت‌های سفالی مراحل ابتدایی دوره مس و سنگ در مناطق غرب زاگرس مرکزی مانند دشت ماهیدشت، گونه موسوم به سفال نوع «جی» است. این نام برای نخستین بار پس از بررسی و کاوش‌های هیئت پروژه ماهیدشت در مناطق غرب زاگرس مرکزی به سرپرستی لوئیس لوین در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی وارد ادبیات باستان‌شناسی غرب ایران شد. سفال‌های نوع جی گونه‌ای از سفال منقوش، منسجم و خوش‌ساخت متأثر از فرهنگ حلف است که از سطح بیش از ۶۰ محوطه در ماهیدشت گردآوری شده است. تمامی آنچه که از این نوع سفال در ماهیدشت می‌شناسیم محدود به یکی دو لوحه سیاه و سفید است که در مطالعات ناتمام پروژه ماهیدشت به سرپرستی لوین در حدود ۴۰ سال پیش منتشر شده است. اطلاعات منتشر شده در این زمینه به هیچ‌وجه برای شناخت این فرهنگ سفالی کافی نیست و هنوز پرسش‌های زیادی درباره این فرهنگ سفالی اعم از وجه تسمیه، گاهنگاری، فرم ظروف، نوع نقش و تزیینات، نوع خمیره، پوشش، ارتباط آن با فرهنگ حلف و ... وجود دارد که نیاز به بازبینی و مطالعه جدی دارند. از جمله پرسش‌های اساسی در ارتباط با سفال نوع جی این است که این گونه یک نوع سنت بومی محلی زاگرس مرکزی است یا تحت‌تأثیر فرهنگ‌های مناطق مجاور شکل گرفته است؟ در نتیجه به منظور پاسخگویی به پرسش‌های ذکر شده و ارائه شکلی روشن از سنت‌های سفالی آغاز دوره مس‌وسنگ غرب زاگرس مرکزی، سفال‌های نوع جی پروژه ماهیدشت که هم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند مورد بازبینی و مطالعه مجدد قرار گرفتند. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های بنیادین است که با رویکردی توصیفی سعی در مطالعه و معرفی همه جانبه سفال‌های دوره مس‌وسنگ قدیم پروژه ماهیدشت پس از گذشت حدود نیم قرن را دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سنت سفال نوع جی شاخه شرقی فرهنگ حلف (اواخر حلف) در بلندی‌های غرب زاگرس مرکزی در غرب ایران است.

**واژگان کلیدی:** دوره مس‌وسنگ قدیم، سفال جی، ماهیدشت، حلف. موزه ملی ایران.

\* دکترای باستان‌شناسی؛ بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان کردستان mohammadi.sirvan@gmail.com

\*\* مسئول بخش سفال موزه ملی ایران nahid\_ghafoori@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران mortezazamani2269@gmail.com

## مقدمه

زاگرس مرکزی از جمله نواحی مهم و کلیدی در ارتباط با مطالعات پیش از تاریخ غرب ایران به حساب می‌آید. شرایط جغرافیایی، زمین‌ریختی و اقلیمی متفاوت در دو سوی شرق و غرب زاگرس مرکزی، این حوزه را به دو بخش مهم شرقی و غربی تبدیل کرده است (Levine and Young 1987:15; Hen- (trickson 1985a:4). وجود تعدادی از مهمترین محوطه‌های پیش از تاریخ ایران در نواحی شرق و غرب زاگرس مرکزی، این ناحیه را از دیرباز در کانون توجه باستان‌شناسان قرار داده است به طوری که بزرگترین پروژه بررسی باستان‌شناسی غرب ایران تا به حال در نواحی غرب زاگرس مرکزی انجام شده است. در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی هیئت‌ی به سرپرستی لوئیس لوین از موزه سلطنتی اونتاریوی کانادا قسمت‌های وسیعی از استان کرمانشاه در حدفاصل شهر کنونی اسلام‌آباد غرب در غرب تا نزدیکی بیستون در شرق را تحت عنوان «پروژه ماهیدشت» بررسی کردند. طی بررسی‌های انجام شده بیش از ۵۰۰ محوطه باستانی از دوره نوسنگی تا سده‌های اسلامی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت (Levine, 1974; Levine and McDonald 1977; 1975). با توجه به شرایط ویژه سیاسی زمان انجام بررسی یعنی وقوع انقلاب اسلامی، تیم لوین مجبور به ترک یک‌باره ایران شد و موفق به مطالعه کامل یافته‌های بررسی نشده و این پروژه ناتمام ماند. در محدود اطلاعات منتشر شده از این پروژه، دوره مس‌وسنگ قدیم در ماهیدشت با سنت سفالی موسوم به نوع جی آغاز می‌شود. به رغم ارائه یکی دو لوحه سیاه و سفید از سفال‌های نوع جی به همراه کلیاتی از ویژگی‌های این سنت سفالی (Levine and McDonald 1977; Henrickson 1985b)، اطلاعات منتشر شده به هیچ‌وجه برای شناخت سفال نوع جی کافی نیست و هنوز پرسش‌ها و ابهامات زیادی درباره سنت سفالی این دوره اعم وجه تسمیه، گاهنگاری، چگونگی ساخت، نوع فرم‌های سفالی، نوع تزیینات، نوع پوشش‌های به‌کار رفته، آمیزه و ... وجود دارد. در نتیجه به منظور شفاف‌سازی در این زمینه و نیز ارائه شکلی واضح از سفال این دوره، سفال‌های نوع جی حاصل از بررسی‌های پروژه ماهیدشت که هم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند مورد عکاسی، طراحی و مستندنگاری قرار گرفتند. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های بنیادین با رویکرد توصیفی است. پایه و اساس تحقیق حاضر بر مطالعه سفال‌های نوع جی پروژه ماهیدشت است که هم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند. در نتیجه رویکرد اصلی این پژوهش توصیف و معرفی دقیق سفالینه‌های حاصل از بررسی و کاوش محوطه‌های ماهیدشت است. پس از گذشت زمانی نزدیک به نیم سده از شروع این مطالعات، به لطف اجازه سرپرست هیئت بررسی ماهیدشت و همکاری موزه ملی ایران

بلاخره تصاویر و طرح‌های واضح به همراه جزئیات سفال‌های دوره مس و سنگ قدیم ماهیدشت در دسترس قرار گرفته است (محمدی قصریان ۱۴۰۱; Renette et al. 2022).

## پیشینه پژوهش

تاریخچه مطالعات علمی باستان‌شناسی منطقه ماهیدشت به تحقیقات سر اورل اشتاین در سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۳۵ میلادی بر می‌گردد. وی مناطق بسیاری در غرب ایران را مورد بررسی قرار داده که نتیجه آن نگارش کتاب به یاد ماندنی راه‌های باستانی غرب ایران است. از جمله مناطق غرب کشور که اشتاین در کتاب راه‌های باستانی غرب کشور از آن بازدید کرده، منطقه ماهیدشت است (Stein 1940: 415-416). بعد از اشتاین، دومین باستان‌شناسی که بررسی‌ها و مطالعاتی را در ماهیدشت انجام می‌دهد، اریک اشمیت است. اریک اشمیت نیز همانند اورل اشتاین مناطق وسیعی را در غرب ایران بازدید کرد، منتها تفاوت اساسی کار اشمیت این بود که وی در مطالعات خود از هواپیما استفاده کرده و تصاویر زیبا و به یادماندنی را از محوطه‌های غرب ایران تهیه کرده است. اشمیت در فاصله سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۷ میلادی در دو نوبت و با نام پروژه باستان‌شناسی دانشگاه شیکاگو، ماهیدشت را با هواپیمای خود مورد بررسی قرار می‌دهد (اشمیت ۱۳۷۶). مهمترین پروژه باستان‌شناسی ماهیدشت در پیش از انقلاب برنامه موسوم به پروژه پیش از تاریخ ایران است. در این برنامه رابرت بریدوود در فاصله سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ میلادی با تیمی متشکل از متخصصان علوم طبیعی، دشت‌های اطراف کرمانشاه را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. هدف اصلی رابرت بریدوود در این پژوهش پرداختن به مبحث چگونگی شکل‌گیری نخستین جوامع روستانشین و اهلی‌سازی در منطقه جنوب غرب آسیا بود (Braidwood 1951; 1960a,b). وی برای نخستین بار در تیم خود اعضای از دیگر علوم (به غیر از باستان‌شناسی) را نیز به همراه داشت. در پروژه پیش از تاریخ ایران محدوده‌ای مابین دشت‌های اسلام‌آباد، شیان، زبیری و بخش‌هایی از ماهیدشت مورد بررسی قرار گرفتند. در مجموع ۲۵۵ محوطه باستانی شناسایی شده که در ۸ دوره فرهنگی از دوره پارینه‌سنگی تا آغاز نگارش طبقه‌بندی شدند. همچنین محوطه‌هایی مانند آسیاب، سراب، پناه‌گاه صخره‌ایی وارواسی و تپه‌های سیاه بید و موریان نیز کاوش شدند (Braidwood 1960a).

پروژه پیش از تاریخ ایران پایه و اساس پروژه ماهیدشت قرار گرفت که تا به امروز بزرگترین پروژه باستان‌شناسی زاگرس مرکزی محسوب می‌شود. بریدوود تمامی داده‌های حاصل از پروژه پیش از تاریخ ایران را در اختیار موزه سلطنتی اونتاریو گذاشت. سرپرستی هیئت ماهیدشت را لوئیس لوین برعهده داشت که در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی

سفال نوع جی سفالی خوش ساخت و منسجم با تزیینات و پوشش‌های سفالی متنوع است. سفال نوع جی سفالی مرتبط با دوره حلف در شمال بین‌النهرین فرض شده و شاخه شرقی این فرهنگ در بلندی‌های غرب زاگرس در غرب ایران محسوب می‌شود (Levine and McDonald 1977: 41). بر اساس نتایج پروژه ماهیدشت این گونه سفالی از سطح بیش از ۶۰ محوطه گردآوری شده است (Ibid) اما بر اساس اطلاعات میدانی پروژه ماهیدشت که هم اکنون در موزه سلطنتی اونتاریو موجود است این تعداد بسیار بیش تر و به حدود ۱۰۰ محوطه می‌رسد (شکل ۱).

بر طبق جدول گاهنگاری دوره نوسنگی و مس و سنگ ماهیدشت، سفال نوع جی پس از سفال‌های دوره نوسنگی جدید نوع سراب قرار دارند (Levine and McDonald 1977: Fig. 3). هرچندکه لوین و مک دونالد اطلاعاتی از این سنت سفالی شامل یکی دو لوحه سیاه و سفید به همراه توضیحاتی درباره خود سفال‌ها ارائه کرده‌اند (Levine and McDonald 1977) اما این اطلاعات به هیچ‌وجه برای معرفی کامل این فرهنگ سفالی در غرب ایران کفایت نمی‌کند و هنوز پرسش‌ها و ابهامات زیادی در باره سفال نوع جی اعم از وجه تسمیه، تاریخگذاری، ویژگی‌های کلی این فرهنگ سفالی و ... باقی مانده است. پژوهش حاضر با دسترسی به شواهد سفالی دوره مس و سنگ قدیم پروژه ماهیدشت که هم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند سعی در ارائه شکلی کامل و واضح از این فرهنگ سفالی است.

### وجه تسمیه سفال جی

یکی از پرسش‌های موجود در خصوص سنت سفالی دوره مس‌وسنگ قدیم غرب زاگرس مرکزی دلیل نامگذاری آن به نوع جی است؟ نظر بر این است که نامگذاری این فرهنگ سفالی به نام جی به این دلیل است که اعضای پروژه ماهیدشت در بررسی‌های سطحی این نوع سفال را ابتدا سفال نوع جم‌ت نصر تشخیص داده‌اند. اما در ادامه و با بررسی‌های دقیق‌تر و مشخص شدن موقعیت لایه‌نگاری این سفال در کاوش‌های سیاه بید و چغاماران، تفاوت‌های اساسی بین این سفال و سفال نوع جم‌ت نصر آشکار شد، به طوری که سفال جی به عنوان یک سفال مجزا که هیچ ارتباطی با سفال هزاره چهارم و سوم پیش‌ازمیلاد یعنی جم‌ت نصر ندارد معرفی شده است. در نتیجه تیم بررسی نخستین حرف عبارت جم‌ت نصر یعنی حرف «جی/ج» را برای نامگذاری این فرهنگ سفالی انتخاب کردند (منهوبی ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷).

این شیوه نامگذاری بسیار شک‌برانگیز به نظر می‌رسد و اینکه تیم لوین این نوع سفال را با سفال جم‌ت نصر اشتباه گرفته و پس از پی بردن به اشتباه حرف اول کلمه جم‌ت نصر را برای نامگذاری این فرهنگ سفالی استفاده کرده‌اند زیاد

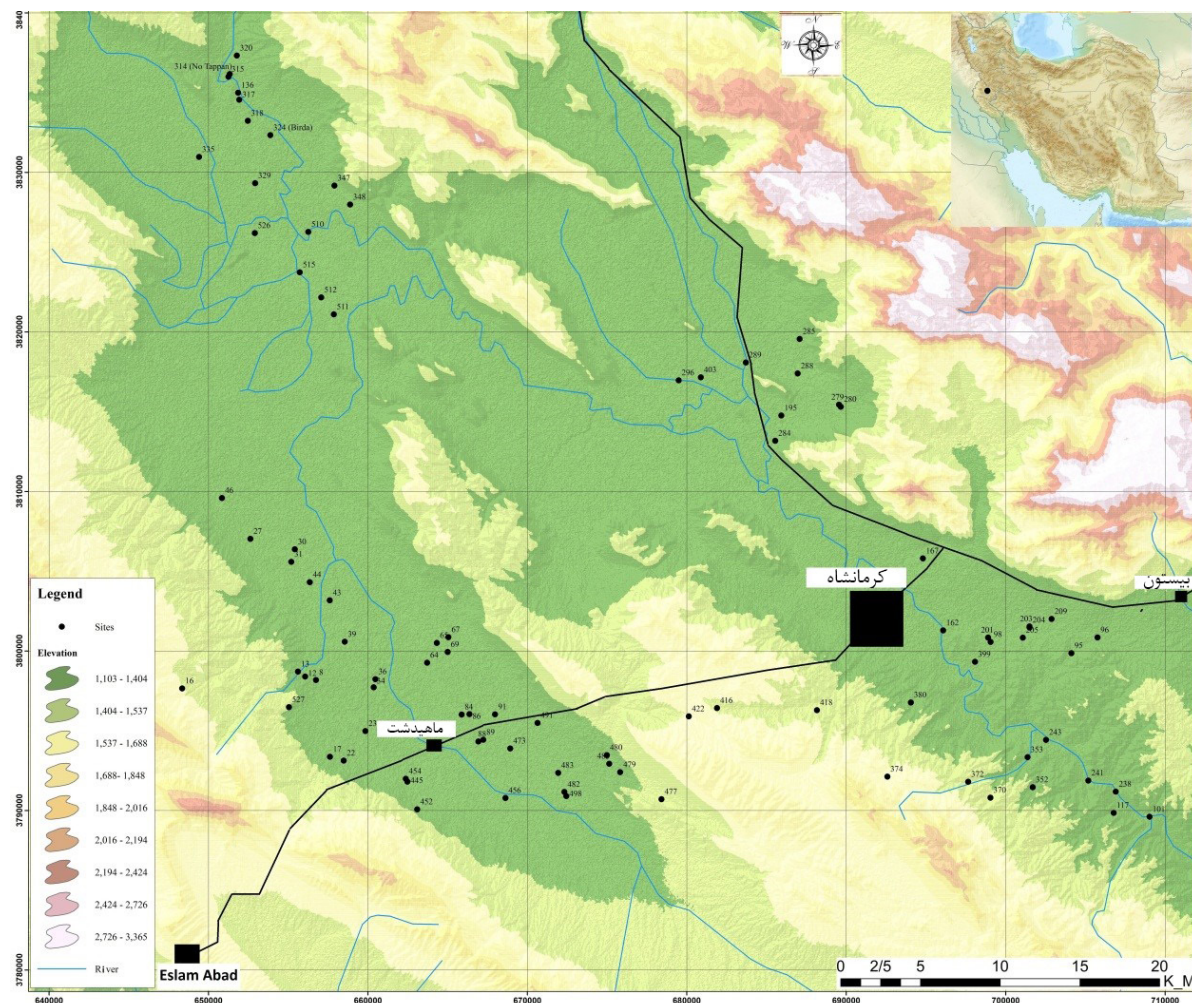
و در دو نوبت بررسی‌های متمرکزی را در حدفاصل شهرهای اسلام‌آباد در غرب تا نزدیکی بیستون در شرق تحت عنوان پروژه ماهیدشت انجام دادند. تیم ماهیدشت محدوده‌ای به وسعت ۴۵۰۰ کیلومتر مربع را در حوضه آبریز چهار رودخانه مرگ، قره‌سو، آب راز او و گاماسی او مورد بررسی قرار دادند. علاوه بر بررسی‌های باستان‌شناسی، زمین‌شناسان هئیت نیز (ایان بروکس و رابین دنل) مطالعات زمین‌شناسی ماهیدشت را به عهده گرفتند (Brookes 1989). تحقیقات هیئت پروژه ماهیدشت، آخرین مطالعات باستان‌شناسان خارجی در منطقه ماهیدشت به حساب می‌آید و پس از آن تحقیقات توسط باستان‌شناسان ایرانی ادامه یافت.

در پاییز ۱۳۷۷ خورشیدی عباس مترجم دشت کوزران را مورد بررسی قرار داده که در نتیجه آن ۸۴ محوطه باستانی از دوره نوسنگی تا دوره اسلامی شناسایی شد (مترجم ۱۳۷۸). در ادامه و در سال ۱۳۷۹ یوسف مرادی مناطق کوهستانی دشت کوزران را به وسعت ۱۸۰ کیلومتر مربع بررسی کرده و موفق به شناسایی ۳۲ محوطه از دوره نوسنگی تا دوران اسلامی متاخر شد (مردای ۱۳۷۹). سومین فصل بررسی‌های دشت کوزران در سال ۱۳۸۳ و به سرپرستی شهین کرماجانی انجام شد که در نتیجه آن ۳۵ محوطه برای نخستین بار مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت (کرماجانی ۱۳۸۳).

در ادامه مریم دهقان به منظور نگارش رساله کارشناسی ارشد خود محوطه‌های دوره مس و سنگ بخش مرکزی ماهیدشت را مورد بررسی و مطالعه قرار داد (دهقان ۱۳۸۷). سیروان منهوبی نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را بر مطالعه سفال نوع جی در ماهیدشت اختصاص داده است (منهوبی ۱۳۸۸؛ ۱۳۹۱). در سال ۱۳۸۸ خورشیدی تیمی به سرپرستی کمال‌الدین نیکنامی دهستان سرفیروزآباد که دنباله جنوبی دشت ماهیدشت است را مورد بررسی پیمایشی فشرده قرار داده که در نتیجه آن ۳۲۰ محوطه از ادوار گوناگون مورد بررسی و شناسایی قرار گرفتند (نیکنامی و دیگران ۱۳۹۲). از دیگر باستان‌شناسان ایرانی که در این حوزه دست به بررسی و کاوش زده‌اند می‌توان به بررسی و کاوش‌های کامیار عبدی در اسلام‌آباد غرب اشاره کرد (Abdi 1999; 2002). اخیراً نیز تحقیقات جامعی در ارتباط با مباحث جغرافیای تاریخی هزاره اول پیش‌ازمیلاد ماهیدشت شروع شده که نتایج ارزشمندی را در پی داشته است (Alibaigi et al. 2016). در حال حاضر نیز تیمی متشکل از باستان‌شناسان ایرانی و دانشگاه پنسیلوانیا در حال مطالعه و بازنگری داده‌های پروژه ماهیدشت هستند (محمدی قصریان، ۱۴۰۱؛ محمدی قصریان و دیگران ۱۴۰۰؛ Renette et al. 2021).

### فرهنگ سفالی نوع جی در غرب زاگرس مرکزی

در توالی پیش از تاریخ برخی مناطق غرب زاگرس مرکزی، شروع دوره مس و سنگ با افق سفال «جی» آغاز می‌شود.



شکل ۱. پراکندگی محوطه‌های دارای سفال نوع جی در منطقه ماهیدشت (نگارندگان ۱۴۰۰).

طبق شواهد گفته شده به نظر می‌رسد که دلیل نام‌گذاری این گونه سفالی بر اساس حرف انگلیسی J است که تا به امروز این نوع نامگذاری بدون تغییر باقی مانده است.

### گاهنگاری سفال نوع جی

بیشتر اطلاعات موجود در باره سفال نوع جی به بررسی‌های سطحی بر می‌گردد. البته در این میان تا به حال موقعیت لایه‌نگاری این نوع سفال در کاوش سه محوطه سیاه بید، چغاماران و چغاگوانه نیز مشخص شده است. در تپه سیاه بید (سیاه بید جنوبی) نهشته‌های دوره مس و سنگ قدیم (دوره جی) بین نهشته‌های دوره نوسنگی جدید (سراب) و دوره مس و سنگ میانی (سفال نخودی منقوش نوع سیاه بید قدیم به همراه سفال فشاری دالما) قرار دارد (Henrickson 1985b: 69). قدیمی‌ترین نهشته‌های کاوش‌شده برجستگی شمالی نیز لایه‌های مربوط به دوره مس و سنگ قدیم با سفال نوع جی است که این نوع سفال در لایه‌های بالایی جای خود را به سفال‌های نخودی منقوش نوع سیاه بید قدیم همانند برجستگی جنوبی داده‌اند (Henrickson 1985b: 69).

نمی‌توانست مورد قبول باشد. در نتیجه نگارندگان از خود لوین سرپرست هیئت بررسی ماهیدشت در این باره جویا شدند. لوین در مکاتبات شخصی خود اظهار کرد که ریشه نامگذاری این گونه سفالی به نام سفال نوع جی به پروژه پیش از تاریخ ایران بر می‌گردد. پایه اصلی و اساس شروع پروژه بررسی ماهیدشت به سرپرستی لوین، اطلاعات حاصله از پروژه پیش از تاریخ ایران به سرپرستی رابرت بریدوود بود که وی تمامی اطلاعات حاصله از این پروژه را در اختیار تیم لوین قرار داد (Levine and McDonald 1977: 39). بریدوود برای دوره‌بندی آثاری که در بررسی‌های باستان‌شناسی غرب ایران شناسایی می‌کرد از حروف الفبای انگلیسی استفاده می‌کرد (Braidwood 1960: 216) علاوه بر ایران، بریدوود از سیستم مشابهی برای دوره‌بندی فرهنگ‌های باستانی نواحی مجاور نیز استفاده کرده بود. بریدوود توالی فرهنگی آثار به دست آمده در بررسی‌های دشت آنتیوخ در مرز ترکیه /سوریه را از a تا J نامگذاری کرده بود (Braidwood and Braidwood 1960). توالی مشابهی نیز توسط جمیز ملارت در بررسی‌های آناتولی به طور همزمان استفاده شد (Mellart 1964; 1965). در نتیجه

1983). قدیمی‌ترین سفال‌های نخودی منقوش نوع عبید معروف به عبید ۱-۰ در تحتانی‌ترین لایه‌های محوطه‌هایی مانند تل‌العویلی در جنوب بین‌النهرین گزارش شده است (Hout 1989: 25-30). با گسترش فرهنگ عبید در فازهای بعدی (عبید ۳ و ۴)، سرانجام این فرهنگ سفالی به مناطق شمال بین‌النهرین نیز گسترش یافته و جایگزین فرهنگ حلف در این مناطق شده است (Stein 2012: 128). لازم به ذکر است که نخستین گونه‌های سفال نخودی منقوش نوع BOB در پایان دوره حلف و شروع دوره عبید در شمال بین‌النهرین ظهور پیدا می‌کنند. تاریخ مشخص‌شده برای پایان فرهنگ حلف و شروع دوره عبید در شمال بین‌النهرین حدود ۵۴۰۰ تا ۵۲۰۰ پیش‌ازمیلاد ذکر شده است (Stein 2012: 128). این دوره در شمال بین‌النهرین در اصطلاح مرحله انتقالی حلف به عبید نامیده می‌شود (Campbell 2007: 132) و در محوطه‌های کاوش شده شمال بین‌النهرین که این مرحله را دارا هستند سفال منقوش نوع حلف متاخر به همراه سفال‌های منقوش نوع BOB گزارش شده‌اند (Davidson 1977; Watkins and Campbell 1987). با توجه به اینکه ویژگی بارز سنت سفال جی نیز وجود سفال‌های منقوش نوع جی مرتبط با فرهنگ حلف به همراه سفال‌های نخودی منقوش نوع BOB است، تاریخ مشابهی نیز برای شروع این دوره در ماهیدشت پیشنهاد می‌شود. در نتیجه با توجه به مطالب ذکر شده به طور کلی بازه زمانی پیشنهادی برای این دوره در غرب زاگرس مرکزی ۵۴۰۰ تا ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد است. هر چند که سفال نوع جی به عنوان سفال دوره مس و سنگ قدیم شناخته شده است، اما با توجه به تاریخ‌های جدیدی که از دوره دالما به دست آمده و این دوره را به عنوان دوره مس و سنگ قدیم مطرح ساخته است، افق سفال جی به نظر یک مرحله کوتاه و گذرا از مراحل پایانی دوره نوسنگی و مراحل آغازین مس و سنگ است. این دوره بیشتر از آنکه یک دوره کامل فرهنگی در مناطق غربی زاگرس مرکزی باشد، به نظریک دوره گذار بین دوره نوسنگی و مس و سنگ در سده‌های پایانی هزاره ششم پیش‌ازمیلاد هم‌افق با مرحله انتقالی حلف به عبید در شمال بین‌النهرین است.

### دامنه گسترش سفال جی

هر چند که کانون شکل‌گیری گونه جی دشت‌های مناطق غرب زاگرس مرکزی به مرکزیت دشت ماهیدشت است، اما دامنه گسترش این سنت محدود به بخش‌های غربی زاگرس مرکزی نیست و قسمت‌های بیشتری از غرب ایران را دربرمی‌گیرد. در نتیجه جدیدترین تحقیقات انجام شده دامنه گسترش سفال جی در مناطق شمال ماهیدشت به منطقه مریوان در کردستان می‌رسد (زمانی دادنه و همکاران ۱۳۹۷). از سمت شرق نیز دامنه گسترش سفال نوع جی از تپه سیاه بید که از جمله شرقی‌ترین محوطه‌های گزارش‌شده این فرهنگ در نزدیکی

در چغاماران نیز همانند تپه‌های شمالی و جنوبی سیاه بید، نهشته‌های دوره جی پیش از نهشته‌های دوره سیاه بید قدیم با مشخصه سفال نخودی منقوش قرار دارد. اما در چغاماران برخلاف سیاه بید، خبری از نهشته‌های دوره نوسنگی نیست و نهشته‌های دوره جی بر روی خاک بکر شکل گرفته‌اند. آنچه که در لایه‌نگاری سیاه بید و چغاماران مشترک بوده این است که در هر دو محوطه دوره جی پس از دوره نوسنگی جدید شروع می‌شود. هم‌چنین در هر دو محوطه با ظهور فرهنگ دالما دوره جی به پایان می‌رسد (Henrickson 1985b). با توجه به مطالب ذکر شده تاریخ شروع سفال نوع دالما به منزله پایان یافتن افق سفالی جی است. بر اساس جدیدترین مطالعات انجام شده در مورد دوره دالما (Renette 2022)، ساعدموچشی ۱۴۰۰؛ بحرانی‌پور ۱۴۰۰)، شروع دوره دالما به عنوان دوره مس و سنگ قدیم در مناطق غرب و شمال غرب ایران حدود ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد است (Rentette and Mohammadi Ghasrian 2020: Table 1). در نتیجه در بازه زمانی ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد افق سفال نوع جی به پایان رسیده است.

با مشخص شدن زمان پایان این دوره لازم است که زمان شروع این دوره در توالی زاگرس نیز مشخص شود. همانگونه که بحث شد بر اساس کاوش‌های سیاه بید و چغاماران افق سفال جی پس از دوره نوسنگی جدید قرار دارد. تا به حال تاریخ‌گذاری مطلق از لایه‌های حاوی سفال دوره نوسنگی جدید منطقه ماهیدشت در دسترس نیست. هر چند که لوین و مک دونالد تاریخ ۵۵۰۰ تا ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد را برای این دوره پیشنهاد کرده‌اند (Levine and Mc Donald 1977: Fig 2)، اما با توجه به مطالب ذکر شده در ارتباط با تاریخ پایان افق سفال جی در ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد، بازه زمانی ذکر شده (۵۵۰۰ تا ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد) برای دوره نوسنگی جدید، نمی‌تواند درست باشد. همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد در مجموعه موزه ملی ایران همراه با سفال‌های منقوش و رنگارنگ موسوم به گونه جی که مرتبط با فرهنگ حلف هستند، سفال‌های نخودی منقوش (Black On Buff/BOB) نیز دیده می‌شود. همچنین در لایه XV تپه چغاگوانه که سفال نوع جی از آن لایه شروع می‌شود به همراه سفال نوع جی سفال نوع BOB نیز آغاز شده است (Abdi 2002: Table 8.1). در نتیجه آن‌گونه که مشخص است شروع افق سفال نوع جی در توالی ماهیدشت هم‌زمان با ظهور گونه‌های اولیه سفال نخودی منقوش موسوم به BOB است. با توجه به مطالب ذکر شده مشخص شدن تاریخ ظهور این گونه سفالی در غرب زاگرس مرکزی، بازه زمانی آغاز افق سفال جی را نیز مشخص خواهد کرد.

قدیمی‌ترین سفال‌های منقوش نوع BOB در بین‌النهرین جنوبی گزارش شده‌اند. تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری فرهنگ سفالی منقوش نوع حلف در شمال بین‌النهرین در اوایل هزاره ۶ پیش‌ازمیلاد، در مناطق جنوب بین‌النهرین فرهنگ سفالی متفاوتی به نام عبید در حال شکل گرفتن بوده است (Oates



### طبقه‌بندی سفال‌ها از منظر نوع پوشش و تزیینات

#### – سفال‌های دارای پوشش

از منظر نوع پوشش و تزیینات، تمامی سفال‌های موجود در دو گروه منقوش و دارای پوشش قابل دسته‌بندی هستند. در میان سفال‌ها، قطعات ساده، بدون نقش و پوشش دیده نمی‌شود. در مورد سفال‌های دارای پوشش ذکر این نکته ضروری است که حدود ۱۰ نوع پوشش متفاوت در میان سفال‌های جی مجموعه ماهیدشت موجود در موزه شناسایی شد. رنگ پوشش به کار رفته روی سفال‌ها عبارتند از طیف‌هایی از رنگ قرمز نظیر قرمز روشن، تیره، سوخته، قهوه‌ای روشن و سوخته، نارنجی، بنفش، آلویی و طیف‌هایی از رنگ سیاه (شکل ۴). پوشش روی سفال‌ها در بیشتر موارد ضخیم بوده به طوری که گاهی با ناخن می‌شود پوشش را از روی سفال جدا کرد. البته در مواردی نیز پوشش روی سفال دارای ضخامت زیادی نبوده و مغز و سطح اصلی سفال به راحتی در زیر پوشش نازک سطح دیده می‌شود. در بیشتر سفال‌ها هر دو سطح داخل و خارج سفال دارای پوشش هستند، اما در مواردی نیز فقط سطح بیرونی دارای پوشش است. در مواردی که فقط سطح بیرونی دارای پوشش بوده گاهی باریکه‌ای در لبه بالایی ظرف به پهنای تقریبی یک بند انگشت در داخل دارای پوشش بوده اما باقی سطح داخلی ظرف ساده رها شده است. نکته آخر در مورد سفال‌های پوشش‌دار نوع جی اینکه رنگ پوشش به کار گرفته شده در داخل و بیرون سفال با رنگ خمیره تفاوت داشته و تقریباً هیچ قطعه‌ای در میان سفال‌ها مشاهده نشد که رنگ خمیره با رنگ پوشش روی سفال یکی باشند. همچنین هر چند که رنگ پوشش بیرون و داخل سفال‌ها معمولاً یکی است اما در مواردی نیز رنگ پوشش دو سطح سفال متفاوت است.

#### – سفال‌های منقوش

سفال‌های منقوش دوره مس و سنگ قدیم موجود در موزه به طور کلی در ۳ دسته قابل تقسیم‌بندی هستند: ۱. سفال‌های

نام محوطه	کد محوطه	نام محوطه	کد محوطه
Morad Hasel / مراد حاصل	۱۶۷	Nawar Pir / نوار پیر	۱۲
Tepe Siabhid / تپه سیاه بید	۲۰۳	تپه خانه بیگی Tappéh Khaneh Begi	۱۳
Chia Giveh / چیا گیوه	۲۰۵	Bidgol / بیدگل	۱۶
تپه کو کبود Tappéh Kow Kabud	۲۲۵	چهار زبار سفلی Chahar Zabar-i Sofala	۱۷
Cheqa Qosheh / چقا قوشه	۲۴۳	Choga Bahar / چغا بهار	۲۳
Goldasteh I / گلدسته ۱	۲۷۳	Seh Chega Salimi / سه‌چگاسلیمی	۲۷
Chogha Maran / چغاماران	۲۸۹	Patiabad / پتی‌آباد	۳۰
No Tappan / نو تپان	۳۱۴	Choga Zard / چغا زرد	۳۱
Bilda / بیلده	۳۲۴	Valiabad I / ولی‌آباد ۱	۳۶
Tappéh Zard / تپه زرد	۳۲۹	Chia Narges / چیا نرگس	۳۹
Tappéh Ku'ik / تپه کوئیک	۳۴۷	Choga Naqd Ali / چغا نقدعلی	۴۳
Tappéh Gino / تپه گینو	۳۴۸	Do Cheqa Darvish / دو چغادریش	۴۴
Kanjur-e Olya / کنجور علیا	۳۲۵	Cheqa Ganuj / چغا گنوج	۴۶
Talar / تالار	۳۵۳	چغا بلک بزرگ Choga Balek Bozorg	۶۵
Bala Gabri / بالا گبری	۳۷۲	Choga Balek / چغا بلک	۶۹
Tappéh Siah / تپه سیاه	۴۰۳	Kamajar I / کمجار ۱	۷۵
Meimaz / میمز	۴۴۵	Cheqa Zard / چقا زرد	۸۴
Tappéh Hindi / تپه هندی	۴۵۴	Chaleh Mameh Gar / چاله مامه‌گر	۸۶
قمشه سر تپه Qomsheh Sar Tappéh	۴۸۰	Kolyari / کولیاری	۸۸
Tappéh Kazazi / تپه کزازی	۴۹۱	Tappéh Kuchikeh / تپه کوچیکه	۸۹
Lachin / لاجین	۵۱۰	Chia Mamaleh / چیا مامله	۹۱
Hoseynabad / حسین‌آباد	۵۱۱	Gakieh / گاکیه	۹۵
Ja'farabad / جعفرآباد	۵۱۲	Sar-e Ab / سر آب	۹۶
ده اعظم شمالی Deh 'Azam north	۵۱۵	Tepe Mavaye Olya	۱۰۱
		Tepe Khorramabad- Softa	۱۳۶

جدول ۱. نام تعدادی از محوطه‌های بررسی شده در پروژه ماهیدشت که حاوی سفال جی هستند (نگارندگان ۱۴۰۰).

مربوط به بررسی سطحی و چه تعداد نیز متعلق به کاوش سیاه‌بید است. از نظر آمار، تعداد سفال‌ها چیزی در حدود ۲۰۰ قطعه بوده که بیشتر متشکل از قطعات ریز متعلق به بدنه سفال هستند.

اما سعی شد که تمام سفال‌های نوع جی موجود در مخزن موزه از تمامی جهات مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند. پس از طراحی و عکاسی و نیز مشخص کردن مشخصات فنی، سفال‌ها از منظر نقش، رنگ، طرح، فرم، نوع خمیره و سایر موارد دسته‌بندی و مطالعه شدند.



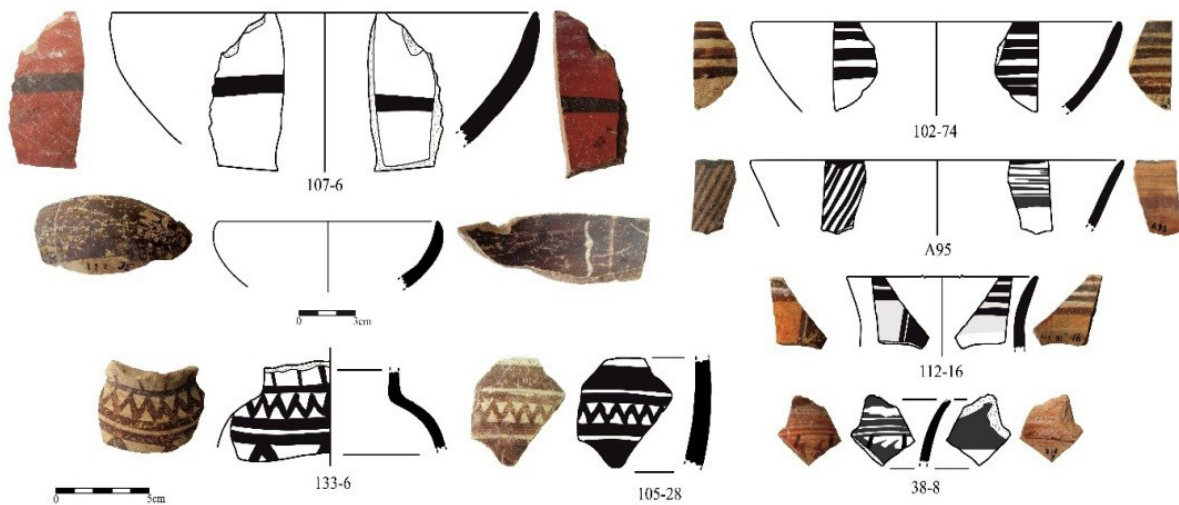
شکل ۳. جعبه‌های حاوی یافته‌های پروژه ماهیدشت در موزه ملی ایران (شکل از نگارندگان ۱۳۹۹).



شکل ۴. پوشش‌های روی سفال‌های نوع جی پروژه ماهیدشت (شکل از نگارندگان ۱۳۹۸).

شده‌اند، هاشورهای متقاطع، نقش دایره و نقطه‌های ریز. این تزیینات بیشتر در سطح بیرونی ظرف نقش شده اما در مورد باندهای نواری شکل گاهی هر دو قسمت داخل و خارج ظرف منقوش است. در نوع منقوش تک رنگ نقش‌های یاد شده مستقیماً بر سطح اصلی سفال نقش نشده و معمولاً روی یک پوشش غلیظ قرمز قرار می‌گیرند (شکل ۵. قطعه ۶-۱۰۷). اما در نوع نخودی منقوش این نوع تزیینات مستقیماً و بدون واسطه بر بدنه بیرونی سفال نقش شده‌اند (شکل ۵. قطعات ۱۳۳-۶ و ۲۸-۱۰۵). رنگ این نوع تزیینات سیاه، قهوه‌ای سوخته و قرمز سوخته است. زیباترین سفال‌های منقوش نوع جی موجود

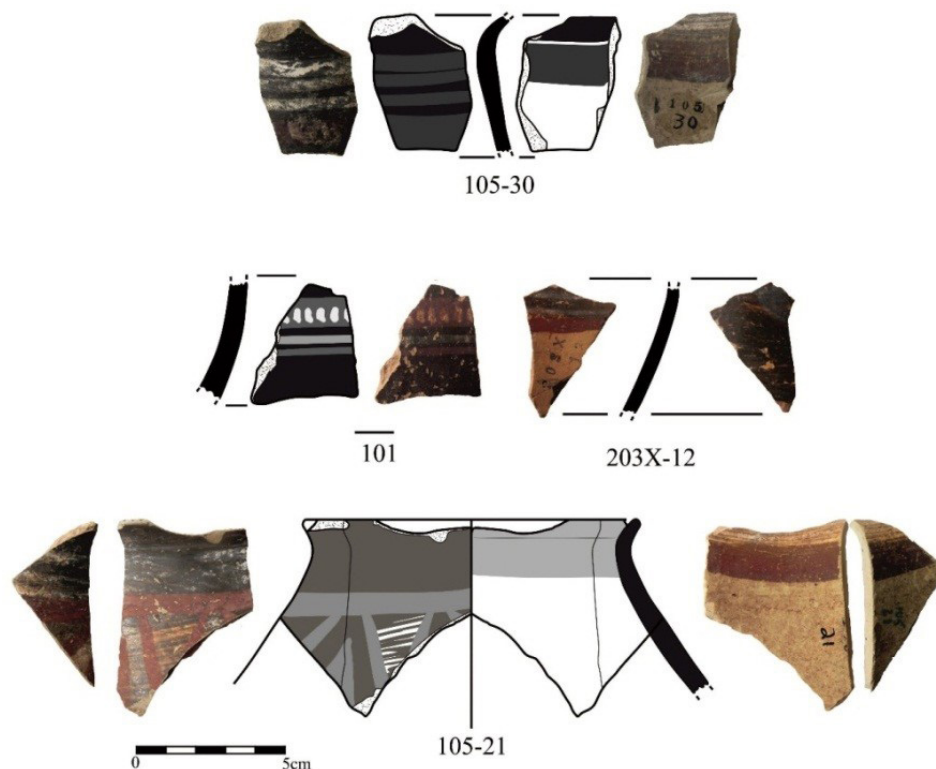
منقوش تک رنگ نوع جی، ۲. سفال‌های منقوش دو یا چند رنگ نوع جی و ۳. سفال‌های نخودی منقوش یا به اصطلاح Black On Buff/BOB (تصاویر ۷-۵) (جدول ۲). لازم به ذکر است که دسته سوم (BOB) در افق سیاه بید به رایج‌ترین گونه سفالی ماهیدشت تبدیل شده‌اند. تا به حال پاسخ روشنی برای این پرسش که آیا سفال‌های نوع BOB افق سیاه بید همان سفال‌های BOB افق جی هستند یا گونه‌های جدیدی محسوب می‌شوند ارائه نشده است. تزیینات رایج هر سه دسته تماماً نقوش هندسی هستند. رایج‌ترین نقوش تزیینی عبارتند از باندهای نواری، نقوش زیگزاگ که در دو طرف محصور



شکل ۵. نمونه سفال‌های منقوش نوع جی (شکل از نگارندگان ۱۳۹۹).

منبع	توصیف	قطعه
Henrickson 1985b:fig6:8 کاوش سیاه بید	بخشی از لبه ظرف، پخت کافی. دست ساز، شاموت کانی، خمیره نخودی زرد، متوسط، پوشش غلیظ قرمز سوخته در هر دو طرف با تزیینات هندسی سیاه رنگ.	۱۰۷-۶
	بخشی از لبه ظرف، خمیره نخودی زرد، پوشش غلیظ سیاه در هر دو طرف، پخت کافی، ظریف دست‌ساز، شاموت کانی.	؟
	بخشی از گردن ظرف، خمیره کرم رنگ، بدون پوشش، نقوش سیاه زیگزاگ در بدنه بیرونی، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۱۳۳-۶
	بخشی از بدنه، خمیره کرم رنگ، بدون پوشش، نقوش سیاه زیگزاگ و باندی در بدنه بیرونی، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۱۰۵-۲۸
	بخشی از لبه ظرف، خمیره کرم رنگ، بدون پوشش، باندهای افقی در بدنه بیرونی، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت کانی.	۱۰۲-۷۴
	بخشی از لبه ظرف، خمیره قهوه‌ای، پوشش رقیق قهوه‌ای در هر دو طرف، نقوش سیاه رنگ اریب در بدنه بیرونی، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت کانی، ظریف.	۹۵
Henrickson 1985b:fig6:11 کاوش سیاه بید	بخشی از لبه ظرف، خمیره کرم رنگ، پوشش قهوه‌ای در هر دو طرف، باندهای افقی در بدنه بیرونی و داخلی، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت کانی، ظریف.	۱۱۲-۱۶

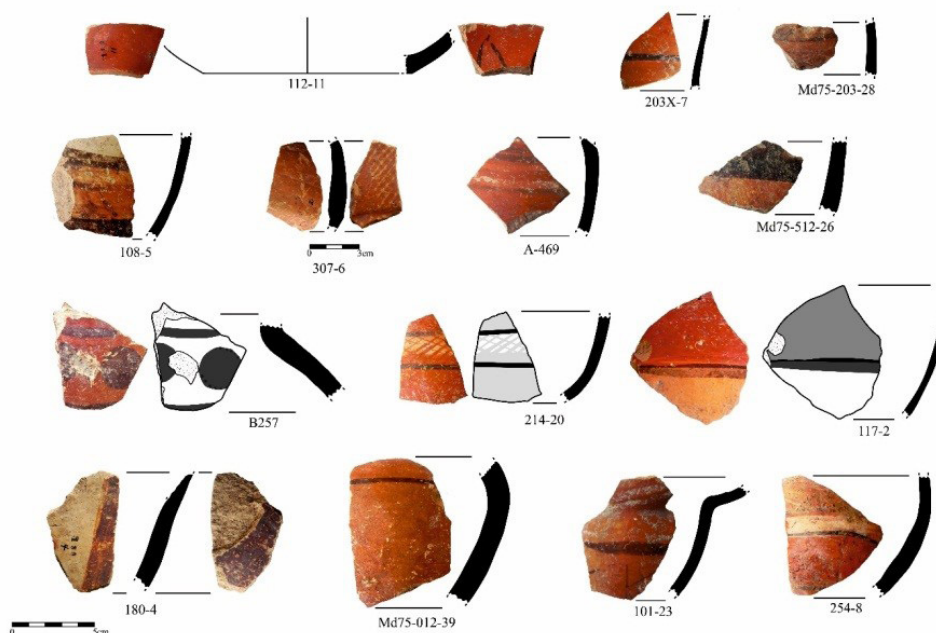
جدول ۲. مشخصات سفال‌های شکل ۵ (نگارندگان ۱۴۰۰).



شکل ۶. نمونه سفال‌های منقوش چندرنگ نوع جی به دست آمده از کاوش سیاه بید (شکل از نگارندگان ۱۳۹۹).

منبع	توصیف	قطعه
	بخشی از بدنه، خمیره خاکستری روشن، پوشش غلیظ سیاه در بیرون، باندهای افقی سفید رنگ در بدنه بیرونی، ظریف، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت کانی.	۱۰۵-۳۰
	بخشی از بدنه، خمیره کرم رنگ، پوشش غلیظ سیاه در بیرون، باندهای افقی بنفش و سفید در بدنه بیرونی، ظریف، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت کانی.	۱۰۱
Henrickson 1985b:fig6:13	قسمتی از لبه خمره، خمیره خاکستری روشن، پوشش غلیظ سیاه در بیرون، نقوش هندسی زرد رنگ در بدنه بیرونی، ظریف، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت کانی.	۱۰۵-۲۱

جدول ۳. مشخصات سفال‌های شکل ۶ (نگارندگان، ۱۴۰۰).



شکل ۷. گروهی دیگر از سفال‌های منقوش یک و دو رنگ نوع جی (شکل از نگارندگان ۱۳۹۹).

منبع	توصیف	قطعه
	قسمتی از کف ظرف، خمیره کرم رنگ، ظریف، پخت کافی، شاموت کانی، پوشش غلیظ قرمز سوخته در هر دو طرف، نقوش سیاه هندسی در بدنه داخلی.	۱۱۲-۱۱
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره نخودی زرد، ظریف، پخت کافی، شاموت کانی، پوشش غلیظ قهوه‌ای سوخته در هر دو طرف، نقوش سیاه هندسی در بدنه بیرونی.	۲۰۳
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره نخودی تیره، پخت کافی، شاموت کانی، پوشش غلیظ قهوه‌ای در هر دو طرف، نقوش سیاه هندسی در بدنه بیرونی.	۲۰۳-۲۸
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره نخودی روشن، پخت کافی، پوشش غلیظ قهوه‌ای در بیرون، نقوش سیاه هندسی در بدنه بیرونی، شاموت ترکیبی.	۱۰۸-۵
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره کرم رنگ، ظریف، پخت کافی، پوشش غلیظ قهوه‌ای در هر دو طرف، نقوش شطرنجی در بدنه بیرونی، شاموت گیاهی، دست‌ساز.	۳۰۷-۶
Henrickson 1985b:fig6:14 کاوش سیاه بید	قسمتی از بدنه، خمیره زرد روشن، ظریف، پخت کافی، پوشش غلیظ قرمز سوخته در هر دو طرف، نقوش سیاه هندسی در بدنه بیرونی، دست‌ساز.	۲۵۷
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره نخودی روشن، ظریف، پخت کافی، پوشش غلیظ قهوه‌ای در هر دو طرف، نقوش شطرنجی در بدنه بیرونی، شاموت گیاهی، دست‌ساز.	۲۱۴-۲۰
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره نخودی، ظریف، پخت کافی، پوشش غلیظ قهوه‌ای در هر دو طرف، نقوش سیاه در بدنه بیرونی، شاموت ترکیبی. دست‌ساز.	۲-۱۱۷
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره کرم، پخت کافی، پوشش بنفش در بیرون، نقوش سیاه رنگ در بدنه داخلی، شاموت گیاهی، دست‌ساز.	۱۰۸-۴
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره زرد رنگ، ظریف، پخت کافی، پوشش غلیظ قهوه‌ای سوخته در هر دو طرف، نقوش سیاه هندسی در بدنه بیرونی.	۳۹-۱۲
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره زرد، ظریف، پخت کافی، پوشش غلیظ قهوه‌ای سوخته در هر دو طرف، نقوش سیاه هندسی در بدنه بیرونی.	۱۰۲-۲۳
	قسمتی از بدنه ظرف، خمیره؟، ظریف، پخت کافی، پوشش غلیظ قهوه‌ای در هر دو طرف. نقوش سیاه هندسی در بدنه بیرونی، شاموت ترکیبی.	۲۵۴-۸
	قسمتی از بدنه ظرف. خمیره؟، ظریف، پخت کافی، پوشش غلیظ قرمز در هر دو طرف، نقوش سیاه هندسی در بدنه بیرونی، شاموت ترکیبی.	۴۶۹

جدول ۴. مشخصات سفال‌های شکل ۷ (نگارندگان، ۱۴۰۰).

### تکنیک ساخت و نوع پخت



شکل ۸. نمونه‌ای از سفال‌هایی که نوع آمیزه استفاده شده در خمیره مشخص است (نگارندگان، ۱۴۰۰).

در موزه ملی ایران نوع چند رنگ آن است. در برخی گونه‌ها حداقل ۳ رنگ متفاوت دیده می‌شود که در نوع خود جالب است (شکل ۶) (جدول ۳). تعدادی از این سفال‌های چند رنگ مربوط به کاوش تپه سیاه‌بید است که قبلاً طرح‌هایی از آن به رنگ سیاه و سفید منتشر شده است (ن.ک: Levine and Young 1987: Fig3, Henrickson 1985b: Fig 6). به طور کلی ظرافت بالا، نوع پوشش، نوع نقوش بویژه در قطعات چندرنگ هیچ‌گونه نزدیکی با فرهنگ‌های سفالی رایج در منطقه ندارد و به وضوح سفال‌های توصیف‌شده از نوع سفال‌های حلف متاخر محسوب می‌شوند. نمونه‌های مشابهی در محوطه‌های دوره حلف در شمال بین‌النهرین نظیر تپه بناهلیک (Sharp and Kaercher 2018:Fig5) و تل بیگم (Nieuwenhuys et al. 2016: Fig 23) و تپه مارانی (Wengrow et al. 2016: Fig18) دیده می‌شود. همانگونه که در ادامه نیز بحث خواهد شد نمونه‌های مشابه بیشتری نیز از بررسی میدانی نگارندگان در محوطه‌های حلفی مناطق شمال بین‌النهرین به دست آمده است.

محوطه‌های کاوش شده دوره حلف در شمال بین‌النهرین باشد. از نظر فرم، سفال‌های جی موجود در موزه ملی ایران به طور کلی در دو گروه کاسه‌ها و دیگ‌ها قابل تقسیم بندی هستند. البته هر یک از این فرم‌ها نیز دارای تقسیم بندی داخلی خود هستند. در مورد فرم کاسه‌ها بیشترین فراوانی مربوط به کاسه‌های نیم کروی دهانه باز و کاسه‌های مخروطی دهانه باز هستند. در این گروه لبه‌ها عموماً به شکل‌های گرد، باریک و تخت دیده می‌شوند، هم چنین پایه‌ها نیز عموماً تخت یا گرد هستند. در این دسته البته در موارد محدودی لبه ظرف اندکی به سمت بیرون برگشت خورده است (تصاویر ۱۰ و ۱۱) (جدول ۵).

گروه دوم یعنی دیگ‌ها نیز خود به زیر گروه‌هایی چون دیگ‌های گردن‌دار و بدون گردن قابل تقسیم هستند. اما دیگرهای گردان‌دار معمولاً دارای دهانه تنگی هستند. اما معمولاً دهانه دیگ‌های بدون گردن نسبت به گروه اول بازتر است. در این گروه لبه ظرف معمولاً به سمت بیرون برگشته است (شکل ۱۱) (جدول ۶).

**ارتباط سفال نوع جی با سفال‌های با نقش قرمز بر زمینه نخودی (ROB/Red On Buff) مجموعه ماهدشت**  
هر چند که موضوع مقاله در مورد سفال‌های نوع جی است اما همراه سفال‌های نوع جی موجود در موزه ملی ایران، سفال‌های نوع ROB نیز وجود دارند که با توجه به اهمیت این گونه در مرحله انتقالی افق سفال جی به افق سفال سیاه بید قدیم در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرند. این گونه سفال‌ها در ظاهر بسیار شبیه به سفال نوع جی هستند و ممکن است با سفال جی اشتباه گرفته شوند. اطلاعات محدودی از این گونه که مربوط به کاوش‌های تپه سیاه بید است قبلاً منتشر شده‌اند (Henrickson 1985b: 73) (شکل ۱۲).

این گونه سفالی یک نوع سفال منقوش با خمیره نخودی است که روی این خمیره نخودی تزیینات هندسی قرمز رنگ (قرمز سوخته) دیده می‌شود (Red On Buff) (تصاویر ۱۳ و ۱۴). در لایه‌نگاری تپه سیاه بید، این سفال برای نخستین بار البته به مقدار کم پس از افق جی و در مرحله سیاه بید قدیم ظاهر شده و در افق سیاه بید جدید به گونه رایج در ماهدشت تبدیل می‌شود (Henrickson 1985b). اما در لایه‌نگاری چغاگوانه، سفال نوع ROB تقریباً در بازه زمانی اندکی پس از ظهور سفال نوع جی ظاهر می‌شود (Abdi 2002: Table 8.1). این گونه از نظر نوع نقوش مشابه سفال جی است، اما سایر مشخصات آن نظیر رنگ خمیره و دیگر ویژگی‌ها شبیه به سفال نوع سیاه بر روی زمینه نخودی (BOB) است. تزیینات این گونه نظیر باندهای افقی و مورب و نقوش شطرنجی در میان سفال‌های نوع جی نیز دیده می‌شود. رنگ این نوع نقوش قرمز تیره است که شبیه به رنگ تزیینات سفال نوع جی است. اما خمیره این گونه نخودی رنگ و از این منظر

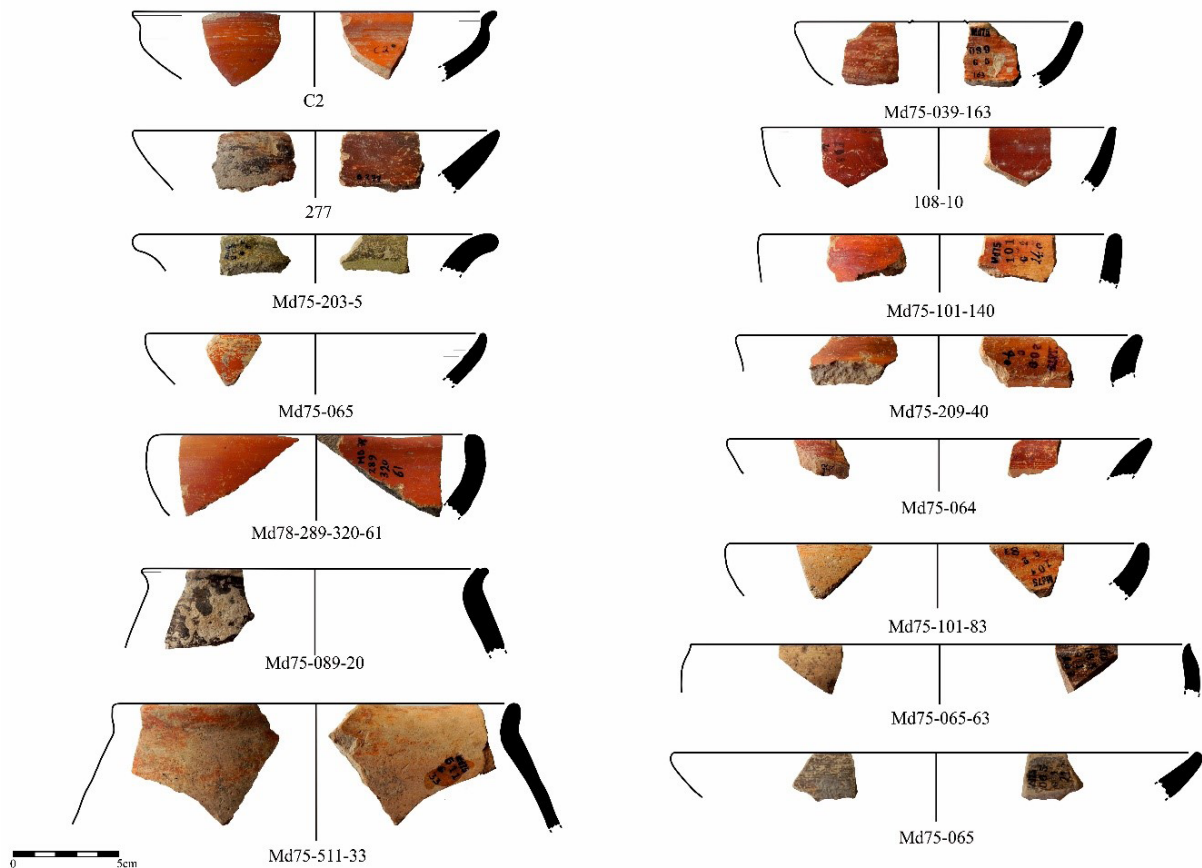


شکل ۹. نمونه دیگری از خمیره سفال‌های نوع جی پروژه ماهدشت (نگارندگان ۱۴۰۰).

نکته قابل توجه در ارتباط با ضخامت بدنه سفال‌های نوع جی اینکه تقریباً تمامی سفال‌های موجود از نوع سفال‌های ظریف و متوسط (۸ تا ۱۲ میلی‌متر) هستند و به ندرت سفال زمخت در میان آنها وجود دارد. سفال‌ها بسیار خوش ساخت و دارای خمیره منسجم هستند. خمیره سفال به خوبی ورز داده شده به صورتی که تمامی عناصر به کار رفته در خمیره به حدی باهم ترکیب شده‌اند که تشخیص عناصر تشکیل‌دهنده با چشم غیر مسلح دشوار و در مواردی امکان‌پذیر نیست. البته در مواردی که پوشش رویی سفال جدا شده است قسمت‌هایی از مغز سفال بیرون افتاده که در آن الیاف بسیار ریز کاه دیده می‌شود. رنگ خمیره سفال‌ها در طیف رنگی نظیر زرد روشن، خاکستری روشن، نخودی قرمز و قهوه‌ای است. درصد بالایی از سفال‌ها دارای پخت کافی هستند اما در مواردی نیز رگه خاکستری رنگی در خمیره سفال به چشم می‌خورد که نشان از پخت ناکافی سفال دارد (تصاویر ۸ و ۹). سفال‌ها دست‌ساز هستند البته در موارد نادری خطوط بسیار ریز متراکمی در داخل ظرف دیده می‌شود که شاید در نتیجه استفاده از چرخ کند ایجاد شده‌اند (Levine and McDonald 1977: 42).

#### - فرم‌های سفالی

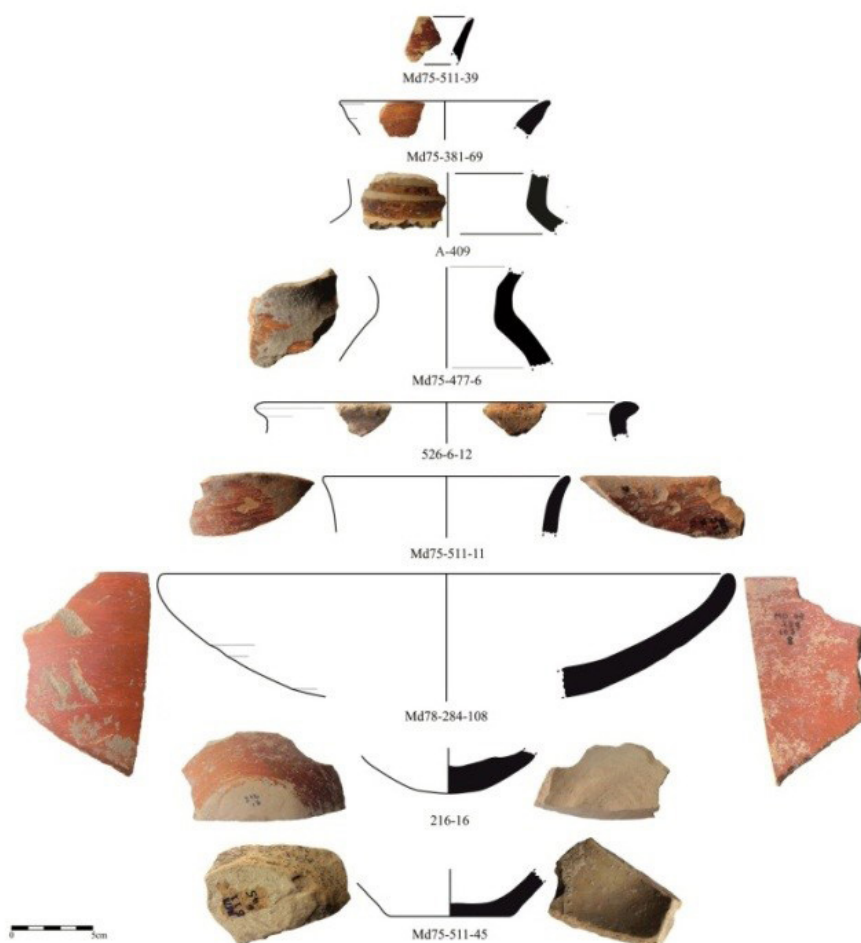
از آنجایی که بیشتر نمونه‌های سفال جی موجود در موزه ملی ایران، قطعات کوچک حاصل از بررسی است، لذا اطلاعات کمی از فرم‌های سفالی می‌توان بدست آورد. به طور کلی فرم‌های سفالی شباهت‌هایی را با فرم‌های سنت سفالگری سرزمین‌های شمال بین‌النهرین «سنت حلف» دارد با این تفاوت که تنوع فرم‌های مختلف سفال حلف در مجموعه سفال جی به هیچ‌وجه دیده نمی‌شود و فرم‌های این نوع سفال در ماهدشت بسیار محدود هستند. دلیل آن می‌تواند در تعداد کم سفال‌های نوع جی حاصله از بررسی‌های سطحی به نسبت تعداد زیاد



شکل ۱۰. نمونه‌های دیگری از فرم‌های سفالی (نگارندگان، ۱۴۰۰).

توصیف	قطعه
لبه کاسه کم عمق، خمیره زردرنگ، پوشش غلیظ نارنجی رنگ در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	C۲
لبه کاسه، خمیره نخودی رنگ، پوشش غلیظ قهوه‌ای سوخته در داخل و بیرون، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت کاه.	۲۷۷
لبه کاسه، پوشش رقیق قهوه‌ای تیره در بیرون، همان پوشش در داخل، دست‌ساز، شاموت کاه، پخت کافی.	۲۰۳-۵
لبه کاسه کم عمق، خمیره زردرنگ، پوشش غلیظ نارنجی رنگ در دو سطح، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۰۶۵
لبه کاسه کم عمق، پوشش غلیظ قرمز رنگ در داخل و بیرون، پخت ناکافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۳۲۰-۶۱
لبه خمیره، پوشش غلیظ سیاه رنگ در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۰۸۹-۲۰
لبه خمیره، پوشش رقیق نارنجی رنگ در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف دست‌ساز، شاموت کاه.	۵۱۱-۳۳
لبه کاسه کم عمق، پوشش غلیظ قرمز رنگ در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۰۳۹-۱۶۳
لبه کاسه کم عمق، خمیره زردرنگ، پوشش غلیظ قرمز سوخته در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۱۰۸-۱۰
لبه کاسه کم عمق، خمیره نخودی، پوشش غلیظ قرمز سوخته در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۲۰۹-۴۰
لبه کاسه کم عمق، خمیره نخودی، پوشش غلیظ قرمز سوخته در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۰۶۴
لبه کاسه کم عمق، خمیره نخودی، پوشش رقیق نارنجی در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۱۰۱-۸۳
لبه کاسه کم عمق، خمیره زرد، پوشش غلیظ قهوه‌ای سوخته در داخل، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۰۶۵-۶۳
لبه کاسه کم عمق، خمیره نخودی، پوشش غلیظ قهوه‌ای سوخته در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۰۶۵

جدول ۵. مشخصات سفال‌های شکل ۱۰ (نگارندگان ۱۴۰۰).



شکل ۱۱. نمونه‌های دیگری از فرم‌های سفالی (نگارندگان ۱۴۰۰).

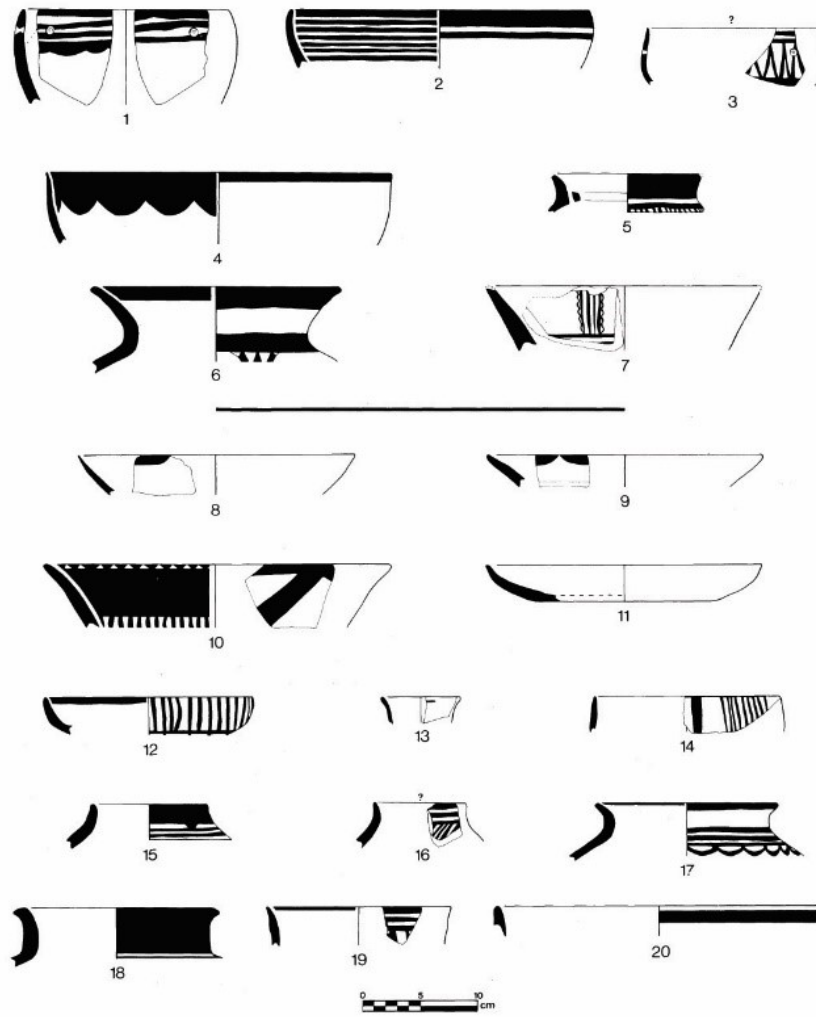
توصیف	قطعه
لبه کاسه کم عمق، خمیره نخودی زرد، پوشش غلیظ نارنجی رنگ در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۵۱۱-۳۹
لبه کاسه کم عمق، خمیره نخودی زرد، پوشش غلیظ قهوه‌ای سوخته رنگ در داخل و بیرون، پخت کافی، ظریف، دست‌ساز، شاموت کانی.	۳۸۱-۶۹
قسمتی از گردن خمیره، خمیره نخودی، پوشش رقیق کرم در داخل و بیرون، نقوش باندی در بدنه بیرونی، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۴۰۹
قسمتی از گردن خمیره، خمیره نخودی، پوشش غلیظ قهوه‌ای در داخل و بیرون، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۴۷۷-۶
لبه یک خمیره، خمیره نخودی، پوشش قهوه‌ای در داخل و بیرون، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۶-۱۲
لبه کاسه، خمیره قهوه‌ای، پوشش غلیظ قهوه‌ای سوخته در داخل و بیرون، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۵۱۱-۱۱
لبه کاسه، خمیره قهوه‌ای، پوشش غلیظ قرمز در داخل و بیرون، پخت ناکافی، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۲۸۴-۱۰۸
کف کاسه، خمیره نخودی تیره، پوشش غلیظ قهوه‌ای در بیرون، داخل بدون پوشش، پخت کافی، دست‌ساز، شاموت ترکیبی.	۲۱۶-۱۶

جدول ۶. مشخصات سفال‌های شکل ۱۱ (نگارندگان ۱۴۰۰).

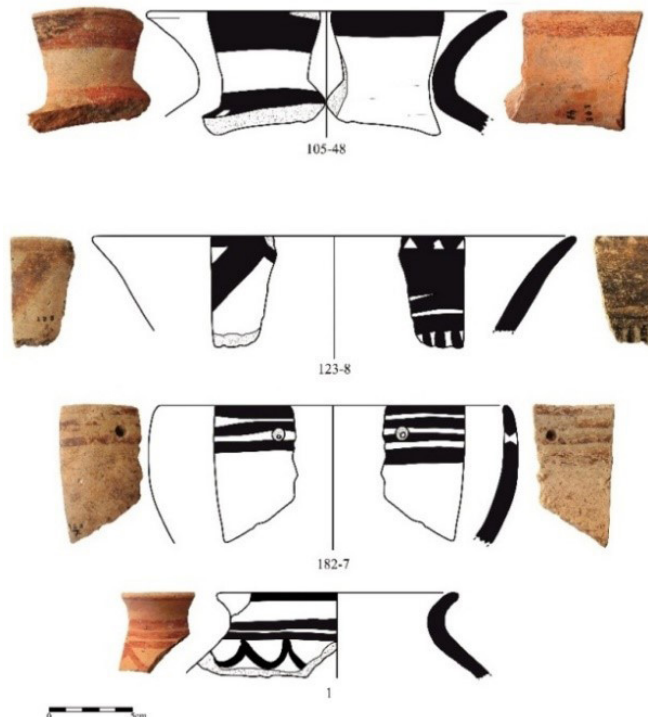
### ارتباط سفال نوع جی با فرهنگ حلف

محققان سنت سفال نوع جی ماهیدشت را شاخه شرقی فرهنگ حلف در غرب ایران به حساب می‌آورند (Levine and Mcdonald 1977; Henrickson 1985b). عنوان حلف برای نخستین بار بعد از کاوش‌های محوطه‌ای به همین نام در شمال سوریه وارد ادبیات باستان‌شناسی شد. ماکس اوپنهایم

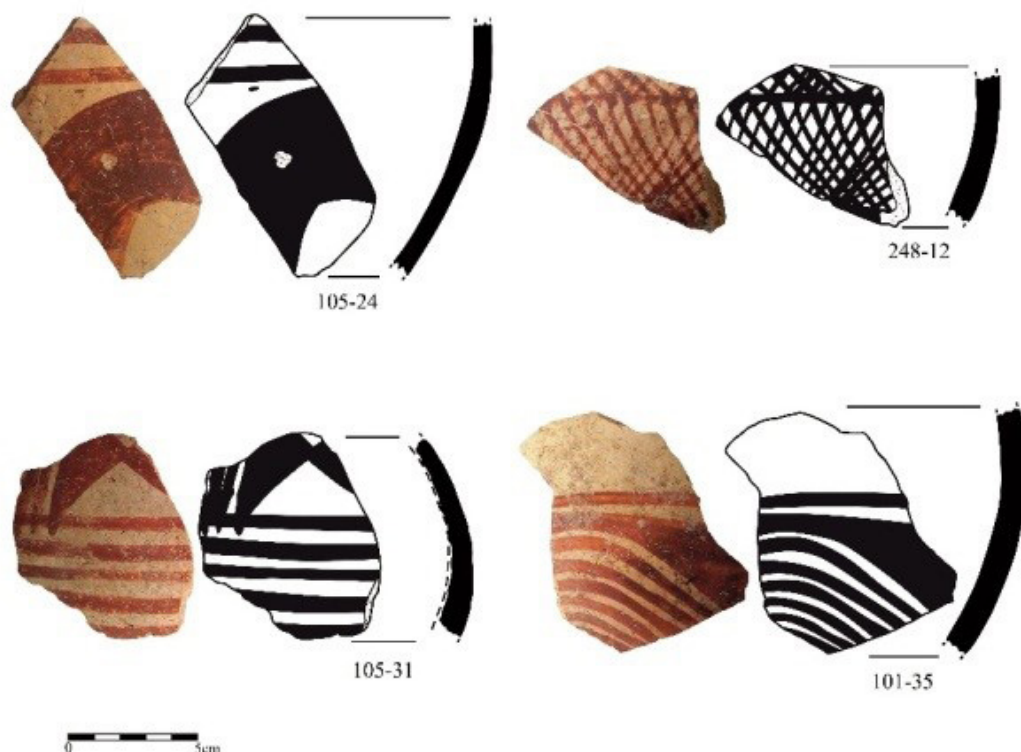
شبیه به سفال نوع BOB است. به طور کلی این گونه سفالی حد وسط سفال‌های نوع جی دوره مس و سنگ قدیم و سفال‌های BOB دوره سیاه بید است. با توجه به اینکه سفال نوع جی و BOB دو گونه سفالی متفاوت از هم هستند، این گونه می‌تواند به عنوان مرحله انتقالی افق جی به دوره سیاه بید قدیم در توالی ماهیدشت به حساب آید. موقعیت این گونه در لایه‌نگاری تپه چغاگوانه مهر تاییدی بر این مطالب است.



شکل ۱۲. نمونه سفال‌های با نقش قرمز بر زمینه نخودی (ROB) تپه سیاه بید (Henrickson 1985b: Fig. 15).



شکل ۱۳. طراحی دوباره از سفال‌های نوع ROB تپه سیاه بید (شکل ۱۲) (نگارندگان ۱۴۰۰).

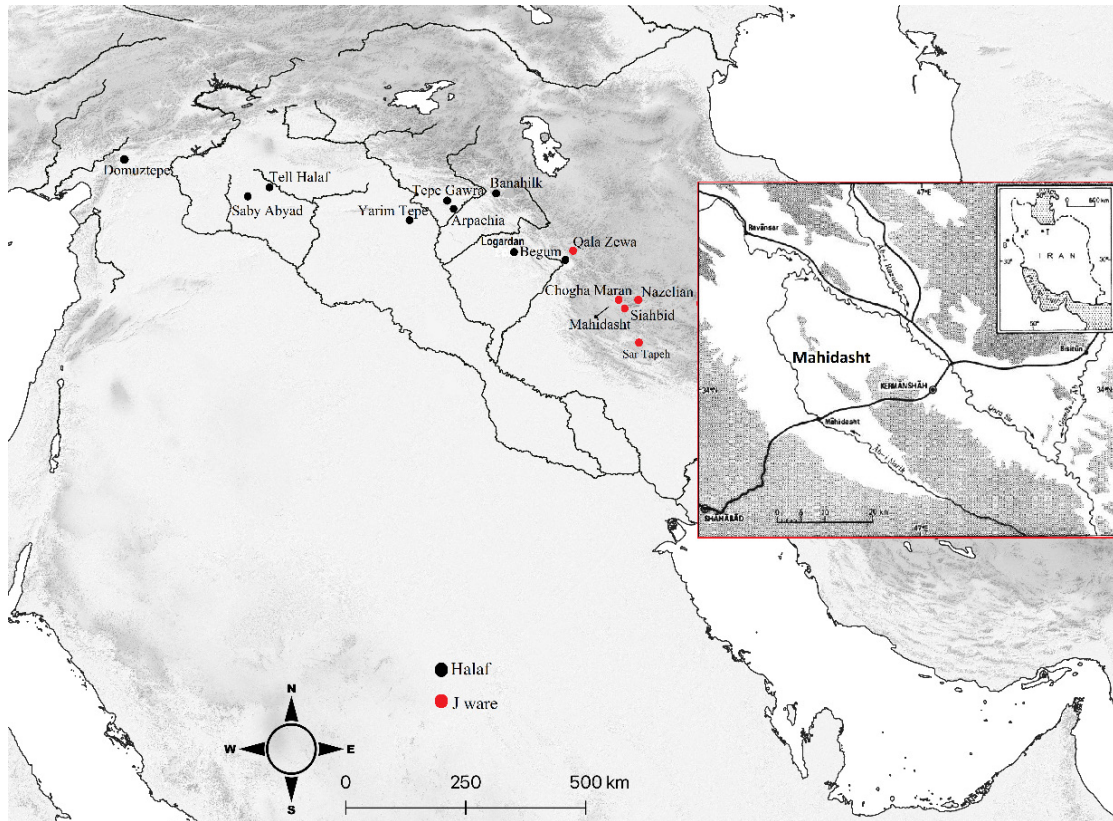


شکل ۱۴. نمونه‌هایی بیشتری از سفال‌های نوع ROB (نگارندگان ۱۴۰۰).

عمدتاً نخودی و یا کرم هستند که بوسیله نقوش قرمز/قهوه‌ای رنگ تزیین شده‌اند. سفال‌های این فاز تماماً تک رنگ هستند. نقوش بیشتر بر بدنه بیرونی ظرف نقش شده و عبارتند از تزیینات هندسی و ساده نظیر زیگزاگ، نقطه، نقوش پرنده، جانوران چهارپا و نقش سر گاو. در فاز میانی شاهد تنوع بیشتری در نقوش هستیم و همچنین نسبت به فاز قدیم دقت بیشتری در کشیدن نقوش به خرج داده شده است. در فاز میانی همچنین شاهد رواج ظروف منقوش دو رنگ هستیم. همچنین ظروف منقوش چندرنگ با انواع و اقسام نقوش تزیینی نیز در این فاز رواج پیدا می‌کند (Matthews 2000:88). اخیراً تقسیم‌بندی سه‌گانه قدیم، میانه و جدید اصلاح و به روز شد و به طور کلی دوره حلف به حلف 1a (۵۸۰۰-۶۰۰۰ پیش‌ازمیلاد)، 1b (۵۶۰۰-۵۸۰۰ پیش‌ازمیلاد)، II (۵۶۰۰-۵۴۰۰) و انتقالی حلف به عبید (HUT) (۵۲۰۰-۵۴۰۰ پیش‌ازمیلاد) تقسیم شده است (Campbell 2007:Fig14). آنگونه که مشخص است فرهنگ حلف یک فرهنگ فرامنطقه‌ای است که نواحی زیادی را ورای شمال بین‌النهرین دربر دارد. هر چه قدر که از هسته اصلی این فرهنگ در شمال بین‌النهرین دور می‌شویم فرهنگ‌ها رنگ و بومی محلی به خود می‌گیرند. این نوع فرهنگ‌های محلی به اصطلاح فرهنگ‌های مرتبط با حلف (Halaf related) یاد می‌شود (Matthews 2000:85). از جمله این فرهنگ‌های مرتبط، سنت سفال جی در نواحی غرب زاگرس مرکزی در غرب ایران است. برخی از پوشش‌های سفالی به همراه تزیینات هندسی سفال‌های نوع

باستان‌شناسی است که تل حلف را برای نخستین بار در فاصله سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ میلادی و برای فصل دوم در فاصله سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰ میلادی کاوش کرده است (Op-penheim 1943). هر چند که نام این فرهنگ از تپه حلف در شمال سوریه بر سر زبان‌ها افتاد، اما کلیدی‌ترین محوطه کاوش شده از دوره حلف که اساس مطالعات این دوره نیز قرار گرفته تل ارپاچیه است (Hijara 1977; Mallown and Cruickshank Rose 1935). در ادامه با کاوش در محوطه‌های دیگر حلفی مانند تپه گاورا اطلاعات بیشتری به دست آمد، اما نهایتاً با فرا رسیدن دهه ۱۹۷۰ میلادی بود که با کاوش محوطه‌هایی مانند یاریم‌تپه در شمال عراق، دموزتپه در ترکیه و سابو ایبض در سوریه دامنه گسترش این فرهنگ از فرات تا زاگرس و جنوب شرق ترکیه مشخص شد (Akkermans 1991; Campbell 2007). به طور کلی در گسترده‌ترین حالت دامنه گسترش این فرهنگ و فرهنگ‌های مرتبط با آن نظیر جی محدوده‌ای را به طول ۱۲۰۰ کیلومتر از مرسین در غرب تا فرهنگ جی زاگرس مرکزی در شرق و ۹۰۰ کیلومتر عرض از دره‌های اراکس در شرق ترکیه تا دره بکا در لبنان شامل می‌شود. البته هسته اصلی این فرهنگ محدوده‌ایی به طول ۲۰۰ کیلومتر است که کوه‌های حمیرین در شرق مرکزی عراق تا شمال عراق و شمال سوریه و جنوب ترکیه را شامل می‌شود (Matthews 2000:85).

بر اساس کاوش‌های تل ارپاچیه دوره حلف به ۳ دوره قدیم، میانه و جدید تقسیم شد. در فاز قدیم حلف سفال‌ها



شکل ۱۵. موقعیت تل بگم در شمال عراق به نسبت ماهیدشت و محوطه‌های مهم دارای سفال نوع جی در غرب ایران (نقشه از استیورنت ۲۰۲۰).



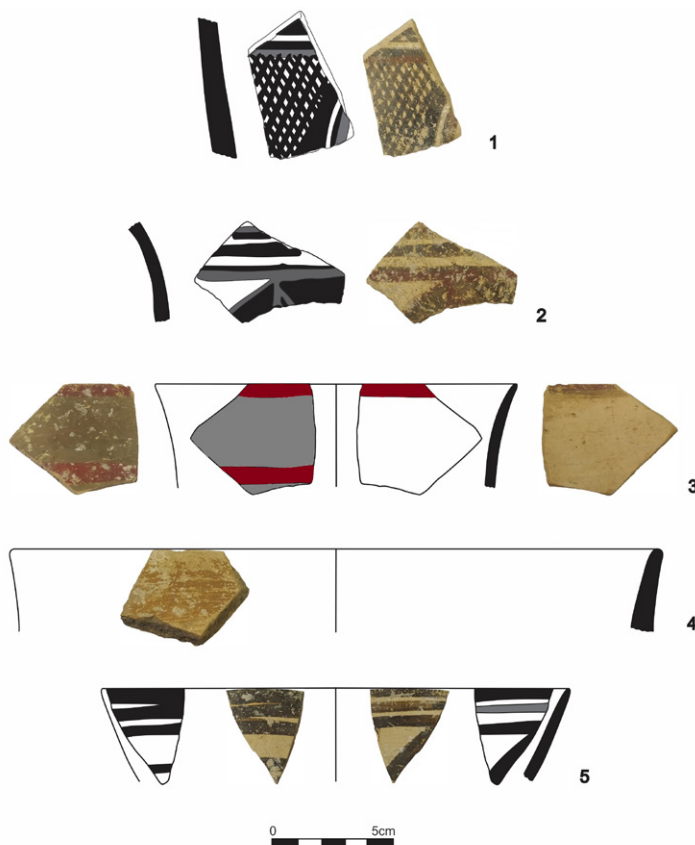
شکل ۱۶. دورنمای تل بگم در دشت شهر زور، شمال عراق (عکس از مرتضی زمانی ۱۴۰۱).

کسب اطلاعات بیشتر از ارتباط سفال نوع جی با سفال نوع حلف، ۲ محوطه کلیدی کاوش شده در منطقه کردستان عراق در شمال بین‌النهرین به نام‌های تل بگم و تپه لوگردن در بهار ۱۴۰۱ خورشیدی از نزدیک مورد بررسی قرار گرفت. در طی بررسی‌های انجام شده قطعاتی از سفال‌های حلف در سطح این محوطه‌ها مشاهده شد که نمونه‌های کاملاً مشابه آن در میان مجموعه سفال‌های نوع جی ماهیدشت دیده می‌شود.

جی ماهیدشت به وضوح در سفال‌های دوران حلف متاخر برخی محوطه‌های شمال بین‌النهرین دیده می‌شود. البته از نظر تنوع فرم‌های سفالی و تزیینات و نقوش روی سفال، سنت جی قابل مقایسه با سنت حلف نیست. علاوه بر اینکه تعداد محوطه‌های بررسی و کاوش شده نوع جی از نظر آمار قابل مقایسه با محوطه‌های حلفی نیست، نیابت انتظار داشت که فرهنگ جی به عنوان یک سنت مرتبط و حاشیه‌ای همان تنوع فرم و نقوش و تزیینات سنت حلف را داشته باشد. برای

### -تل بگم

محوطه باستانی تل بگم یک تپه باستانی ۵ هکتاری است که در دشت شهر زور در نزدیکی سلیمانیه در شمال عراق قرار دارد (Nieuwenhuyse et al.2016) (تصاویر ۱۵ و ۱۶). بر اساس کاوش‌های انجام شده، تل بگم یک محوطه چند دوره‌ای است که در دوران حلف، عبید، اوروک و دوران تاریخی مسکونی بوده است. قدیمی‌ترین استقرارهای این محوطه که به موضوع این مقاله نیز مرتبط است به دوره حلف بر می‌گردد (Nieuwenhuyse et al.2016). در بازدیدی که از سطح تپه در بهار ۱۴۰۱ داشتیم تعدادی از سفال‌های شاخص فرهنگ حلف در سطح تپه مشاهده شد (شکل ۱۷). به طرز جالبی در میان سفال‌های حلفی سطح تپه نمونه‌هایی دیده می‌شود که نمونه کاملاً مشابه آن در میان سفال‌های نوع جی تپه سیاه بید نیز دیده می‌شود. لازم به ذکر است که این مشابهت‌ها فقط محدود به تل بگم نبوده و در بازدیدی که از تپه لوگردن در دشت چمچال نیز داشتیم این مشابهت‌ها دیده می‌شد (شکل ۱۸).

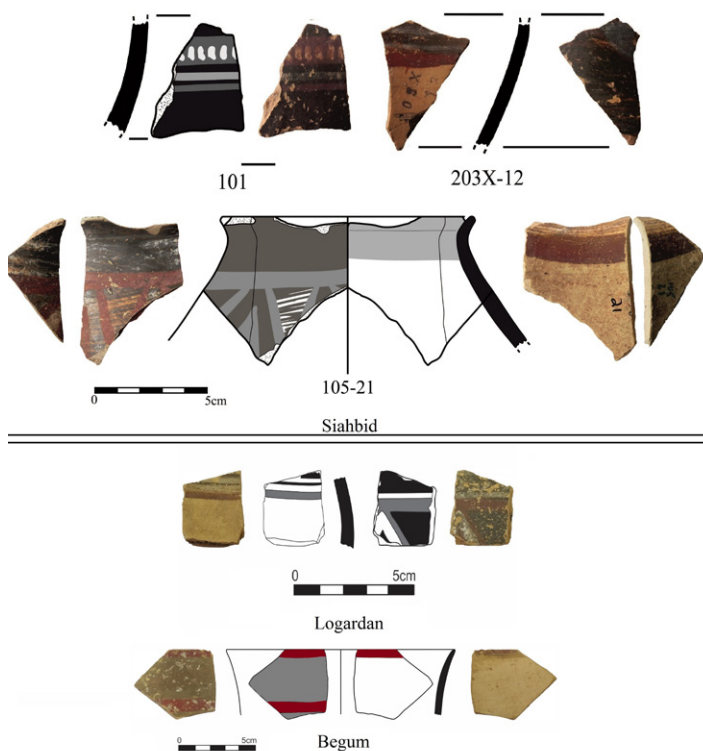


شکل ۱۷. نمونه سفال‌های حلفی دیده شده در سطح تل بگم (عکس و طرح از نگارندگان ۱۴۰۱).

### -تپه لوگردن

تپه لوگردن در حاشیه شرقی دشت چمچال در نزدیکی شهر سلیمانیه در شمال عراق قرار دارد. بر اساس کاوش‌هایی که تیم موسسه تحقیقاتی CNRS دانشگاه پاریس در اکتبر ۲۰۱۵ در این تپه داشته مشخص شد که لوگردن دارای آثاری از دوران حلف متاخر تا دوره آهن است (Vallet 2015: 5) (تصاویر ۱۵ و ۱۹). در کاوش‌های کارگاه C آثار جالبی از مرحله انتقالی حلف به عبید (Halaf/Ubaid transition-HUT) به دست آمده که در میان سفال‌های این مرحله تاثیراتی از مناطق غربی ایران و سفال حلف گزارش شده است (Baldi 2015: 67). در بازدیدی که از محوطه در بهار ۱۴۰۱ خورشیدی داشتیم، این مشابهت‌های سفالی نیز به عینه در سطح تپه دیده می‌شد. همانند تل بگم در میان سفال‌های شاخص حلفی تپه لوگردن قطعاتی دیده می‌شد (شکل ۲۰) که نمونه کاملاً مشابه آن نیز در میان سفال‌های نوع جی تپه سیاه بید وجود دارد (شکل ۱۸).

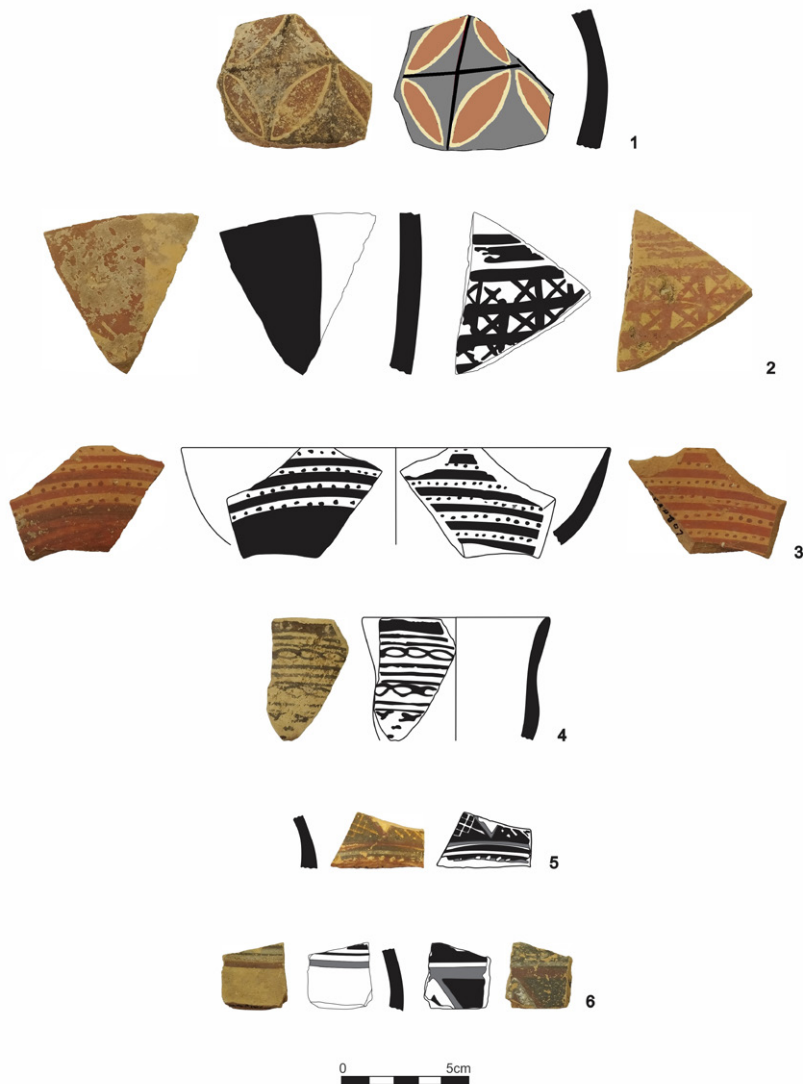
هر چند که قبلاً نیز سنت سفالی نوع جی یک فرهنگ مرتبط با فرهنگ حلف ذکر شده بود، اما با بازدیدی که از سطح محوطه‌های حلفی مناطق شمال بین‌النهرین داشته و به عینه نمونه‌های از این



شکل ۱۸. مقایسه سفال‌های تپه سیاه بید با تپه لوگردن و تل بگم (نگارندگان ۱۴۰۱).



شکل ۱۹. دورنمایی از تپه لوگردن در حاشیه دشت چمچال، شمال عراق (عکس از علی خایانی ۱۴۰۱)



شکل ۲۰. نمونه سفال‌های حلی سطح تپه لوگردن (عکس و طرح از نگارندگان ۱۴۰۱).

قربانها را از نزدیک دیده و لمس کرده و دیگر امروزه مشخص است که وجود سفال نوع جی در مناطق غرب زاگرس مرکزی در اثر گسترش جهان شمول فرهنگ شناخته شده حلف است که گسترش آن از شرق مناطق غرب زاگرس مرکزی در غرب ایران را دربر می گیرد.

### نتیجه گیری

هر چند که پیشتر یکی دو لوحه سیاه و سفید از سفالهای نوع جی پروژه ماهیدشت منتشر شده بود، اما تصاویر رنگی ارائه شده در این تحقیق باعث ارائه شکل واضح تری از این سنت سفالی زاگرس مرکزی شده است. پس از مطالعات اولیه و ناتمام هیئت لوین در فاصله سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی امکان دسترسی و مطالعه مجدد این یافته‌ها فراهم نبود تا اینکه با همکاری سرپرست هیئت بررسی ماهیدشت و نیز موزه ملی ایران فرصت دوباره‌ایی برای تکمیل مطالعات ناتمام پروژه ماهیدشت فراهم شد. سنت سفال جی از نوع سفالهای حلف متاخر شمال بین‌النهرین است و ارتباطی با فرهنگهای محلی مناطق غرب ایران ندارد. ظرافت بیش از حد، پوشش‌های رنگارنگ با رنگ‌هایی نظیر بنفش، سیاه، نارنجی، قهوه‌ایی سوخته، قرمز سوخته و ... و نیز تزیینات هندسی و رنگ این تزیینات از جمله ویژگی‌های سفال‌های نوع حلف به حساب می‌آید. علاوه بر این تزیینات دو و چند رنگه بر روی برخی سفال‌های نوع جی به وضوح با فرهنگ‌های سفالی هزاره ششم پیش از میلاد مناطق غرب ایران همخوانی نداشته و شکی در این زمینه باقی نمی‌گذارد. مشاهدات امروزی ما کاملاً مهر تاییدی است بر نظریه‌ای که پیشتر در مورد سفال نوع جی بیان شده و این فرهنگ را به درستی شاخه شرقی فرهنگ حلف (حلف متاخر) در غرب ایران فرض کرده‌اند. فرهنگ حلف به عنوان یک فرهنگ فرا منطقه‌ای نواحی وسیعی را ورای شمال بین‌النهرین در برداشته که مناطق غرب زاگرس مرکزی در بلندی‌های غرب ایران شرقی‌ترین دامنه گسترش این فرهنگ به حساب می‌آید. در پایان لازم به ذکر است که پس از گذشت زمانی بیش از نیم قرن فرصتی فراهم شده است که مطالعات مراحل پایانی دوره نوسنگی و آغاز دوره مس و سنگ غرب زاگرس مرکزی با مطالعه یافته‌های بررسی‌های قدیمی از سر گرفته شود. تحقیق حاضر می‌تواند به عنوان مرحله نخست و مقدماتی زمینه را برای از سرگیری کامل تر این مطالعات فراهم کند.

### سپاسگزاری

از سرپرست محترم پروژه ماهیدشت، دکتر لویی لوین جهت اجازه مطالعه سفال‌های نوع جی پروژه ماهیدشت کمال تشکر و قدردانی را داریم. همچنین از همکاری گرم و صمیمانه رییس کل محترم موزه ملی ایران دکتر جبریل نوکنده و دیگر همکاران موزه ملی ایران آقایان دکتر فریدون بیگلری و دکتر

یوسف حسن‌زاده سپاسگزاریم. لیست اسامی محوطه‌های دارای سفال نوع جی در ماهیدشت از طریق آقای دکتر استیو رنت در اختیار نگارندگان قرار گرفته که بدین وسیله از ایشان کمال تشکر را داریم. همچنین از آقایان دکتر سجاد علی بیگی و امیرسعد موچشی برای خواندن مقاله و نگارش علمی-ادبی آن سپاسگزاریم.

### منابع

اشمیت، اریک  
۱۳۷۶ پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران. ترجمه آرمان شیشه‌گر. تهران. سازمان میراث فرهنگی کشور.

بحرانی‌پور، حنان  
۱۴۰۰ "گانه‌نگاری مطلق و گونه‌گونی دوران منطقه‌ای سنت سفالی دالما بر اساس تحلیل سفال منقوش تک رنگ"، پژوهش باستان‌سنجی، سال هفتم، شماره ۱۰۱۳: ۱۲۳-۱۰۳.

دهقان، مریم  
۱۳۸۷ تحلیل الگوی استقرار عصر مس و سنگ در دشت ماهیدشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

روستایی، کوروش و حسن رضوانی  
۱۳۸۶ گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی کرمانشاه، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه.

زمانی دادنه، مرتضی، سیروان محمدی قصریان و علی بهنیا  
۱۳۹۷ "تپه قاله زیوا: نویافته‌ای با سفال جی در میوان"، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال دوم. شماره ۴: ۴۹-۴۱.

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح  
۱۳۸۱ فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور (شهرستان کرمانشاه). تهران. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

سعد موچشی، امیر  
۱۴۰۰ "سنت حاجی فیروز، سنت دالما: گسستگی یا پیوستگی؟ سپهر مجد"، باستان‌شناسی دنیای ایرانی و سرزمین‌های پیرامون (جشن‌نامه دکتر یوسف مجیدزاده)، به کوشش، سجاد علی بیگی، محمد رضا میری و هالی پیتمن. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

قبادی‌زاده، حمزه و سیروان محمدی قصریان  
۱۳۹۹ "بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بخش درب گنبد شهرستان کوهدشت، لرستان"، مجموعه مقالات کوتاه هیجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌الله شیرزادی. تهران. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

کرمانجانی، شهین  
۱۳۸۳ گزارش سومین فصل بررسی باستان‌شناسی دشت کوزران، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه.

مترجم، عباس، یعقوب محمدی‌فر  
۱۳۸۱ طرح بررسی و شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان هرسین، آرشو میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).

- 1960a "Seeking the world's first farmers in Persian Kurdistan: a full scale investigation of prehistoric project", *Illustrated London News*, 22: 695-97.
- 1960b "Preliminary investigation concerning the origins of food-production in Iranian Kurdistan", *Brit.Assoc.Advan.Sc.* pp.214.
- Braidwood, R. and L. Braidwood  
1960 *Excavations in the plain of Antioch, the early assemblages*. Oriental Institute Publications 61. Chicago: University of Chicago Press.
- Brooks, I.A.  
1989 *The physical Geography, Geomorphology and late Quaternary history of the Mahidasht Project area, Qara Su basin, central western Iran*, ROM Mahidasht project report 1, Royal Ontario Museum, Toronto.
- Campbell, S.  
2007 "Rethinking Halaf chronologies", *Paleorient*, 33.1:103-136.
- Davidson, T.E.  
2017 *Regional variation within the Halaf ceramic Tradition*. Unpublished PhD. Edinburgh: University of Edinburgh.
- Henrickson, E. F.  
1985a "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Highlands (Luri<sup>7</sup>stan)", *Iranica Antiqua* 20, pp. 1-42.
- 1985b "An updated chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros Highlands, Western Iran", *Iran* 23: 63-108.
- Hijara, I.  
1997 *The Halaf Period in Northern Mesopotamia*. London: Nabu Bookseller.
- Huot, J.L.  
1989 "Ubaidian Villages of lower Mesopotamia: permanence and evolution from Ubaid 0 to Ubaid 4 from Tell Oueilli". In *Upon this foundation*, E.F. Henrickson and I. Thuesen (eds.). pp 19-42. The Carsten Niebuhr Institute for Ancient Near Eastern Studies, Copenhagen.
- Levine, L. D.  
1974 "Archaeological investigations in the Mahidasht, Western Iran, 1975", *Paleorient* 2: 487-490.
- 1975 "The Mahidasht project", *Iran* 14:160-61.
- Levine, L. D. and M. A. McDonald  
1977 "The Neolithic and Chalcolithic periods in the Mahidasht", *Iran* 15: 39-50.
- Levine, L. D. and Jr. T. C. Young  
1987 "A summary of the ceramic assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the late third millennium B.C.", In *Préhistoire de la Mésopotamie. La Mésopotamie préhistorique et l'exploration récente du*
- محمدی قصریان، سیروان  
۱۴۰۰ *بازبینی مطالعات دوره مس و سنگ قدیم غرب زاگرس مرکزی بر اساس داده‌های پروژه باستان‌شناسی ماهیدشت*. رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- محمدی قصریان، سیروان، ایرج بهشتی و ام‌البنین غفوری  
۱۴۰۰ "پتروگرافی سفال نوع جی دوره مس و سنگ قدیم در ماهیدشت، مجموعه موزه ملی ایران"، *مجله موزه ملی ایران*، سال دوم. شماره ۳. شماره دوم: ۵-۱۶.
- مرادی، یوسف  
۱۳۷۹ *گزارش دومین فصل بررسی‌های باستان‌شناسی دشت کوزران*، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه.
- منهوبی، سیروان  
۱۳۸۸ *تجزیه و تحلیل باستان‌شناختی سفال جی و رابطه آن با فرضیه مهاجرت در دوره مس و سنگ قدیم با تمرکز بر ماهیدشت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- ۱۳۹۱ "باستان‌شناسی منطقه ماهیدشت"، *مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران*. به کوشش یوسف حسن زاده و سیما میری. جلد اول، تهران: نشر پازینه، ۳۶۱-۳۷۶.
- نیکنامی، کمال‌الدین، سجاد علی بیگی، میثم نیکزاد، محسن حیدری، محسن زینی‌وند، ایرج رضایی و سیروان منهوبی  
۱۳۹۲ "اثار و استقرارهای سرفیروزآباد کرمانشاه از دوران پارینه‌سنگی تا دوره قاجار، گزارش مقدماتی فصل نخست بررسی‌های باستان‌شناختی در منطقه"، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، شماره دهم: ۶۰-۷۹.

## References

- Abdi, K.  
1999b "Archaeological research in the Islamabad Plain, Central Western Zagros Mountains: Preliminary results of the first season, 1998", *Iran* 37: 33-43.
- 2002 *Strategies of Herding: Pastoralism in the Middle Chalcolithic period of the west Central Zagros Mountains*, Phd, dissertation, Department of Anthropology, University of Michigan.
- Akkermans, P.M.M.G.  
1991 "New radiocarbon date for the later Neolithic of northern Syria", *Paleorient* 17: 121-125.
- Alibaigi, S., N. Aminikha and F. Fatahi  
2016 "In search of Harhar (the New Assyrian Kar Sarukin) in central Zagros Mountain, western Iran: a new proposal", *Iran*, 54(2): 25-45.
- Baldi, J.S.  
2015 "Ceramic assemblages of Logardan", In Vallet (ed). *The first season of excavation at Girdi Qala and Logardan*. Directorate of antiquities of Souleymanieh general directorate of antiquities of Kurdistan regional government.
- Braidwood, R.J.  
1951 "From cave to village in prehistoric Iraq". *American school of oriental research*, Bulletin No.124. pp 12-18. South Hadley and Baltimore.

- Mallowan, M.E.L. and J. C. Rose  
1935 "Excavation at Tell Arpachiyah". *IRAQ* 2:1-178.
- Matthews, R.  
2000 *The Early Prehistory of Mesopotamia 500,000 to 45,000BC*. Subartu. Brepols.
- Mellaart, J.  
1962 "Excavation at Catal Huyuk", *Anatolian studies* 12: 41-65.  
1965 *Earliest civilization of the near east*. Thames and Hudson, London.
- Nieuwenhuyse, O. P., T. Odaka, A. Kaneda, S. Mühl, K. Rasheed, M. R. Altaweel  
2016 "Revisiting Tell Begum. A prehistoric site in the Sharhizor Valley, Iraqi Kurdistan", *Iraq* 76: 103-135.
- Oates, J.  
1983 "Ubaid Mesopotamia reconsidered", In Young, T. C., and Smith, P. E. L. (eds.), *The Hilly Flanks: Essays on the Prehistory of Southwestern Asia Presented to Robert J. Braidwood, Studies in Ancient Oriental Civilizations 36*, The Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago, pp-251-281.
- Oppenheim, M. F.  
1943 *Tell Halaf*. Erster Band. Die Prahistorischen Funde. Berlin: De Gruyter.
- Renette, S.  
2022 "Defining Dalma: an incipient mountain identity?", *Paleorient*, 48,1:111-130.
- Renette, S. R. and Mohammadi Ghasrian  
2020 "The Central and Northern Zagros during the Late Chalcolithic: An Updated Ceramic Chronology based on Recent Fieldwork Results in Western Iran", *Paleorient*, 46.1:109-132.
- Renette, S. R.; S. Mohammadi Ghasrian and O. Ghafoori  
2021 "The Mahidasht survey project (1975-78) revisited: initial report on new collaborative efforts to catalogue and publish legacy data at the National Museum of Iran", *Journal of Iran National Museum*, 2(1):43-58.
- Sharp, M. and K. Kaercher  
2018 "Chalcolithic ceramic connections between Mesopotamia and Iran, 5900-5100 B.C.E.", *IRAQ*, 3:223-250.
- Stein, A.  
1940 *Old Routes of Western Iran*. New York: Greenwood Press.
- Stein, G. J.  
2012 "The development of indigenous social complexity in the late chalcolithic Upper Mesopotamia in the 5<sup>th</sup>-4<sup>th</sup> Millennium BC - an initial assessment", *ORIGINI XXXIV*: 125-151.
- Vallet, R.  
2015 *The first season of excavation at Girdi Qala and Logardan*. Directorate of antiquities of Souleymanieh general directorate of antiquities of Kurdistan regional.
- Watkins. T. and S. Campbell  
1987 "The chorology of Halaf culture", In Aurenche O., Evin J. and F. Hours (eds), *Chronologies in the near east, relative chronologies and absolute chronology 16,000-4,0000 BP: 427-464*. Oxford (BAR Int.Ser. 379).
- Wengrow, D.; R. Carter, G. Brereton, M. Shepperson, S. Jamil, Ahmed Saber Hamarashi, A. Bewna, F. Dorian, H. Himmelman, H. Sosnowsk and G. Carretero  
2016 "Gurga Chia and Tepe Marani: new excavation in the Sharhizor plain, Iraqi Kurdistan", *IRAQ*. 6:1-32.